

دستگاه

رشد آموزش

| فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای
مربیان پیش‌دبستانی، مدیران، والدین، مدرسان و دانشجویان |
| دوره سیزدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۴۰۰ | ۴۸ صفحه | پیامک: ۰۸۹۹۵۰۳۰۰ |
w w w . r o s h d m a g . i r

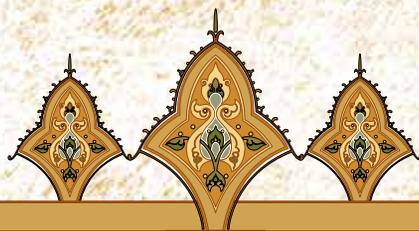
● فطرت کودک در انتظار شکوفایی

● سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک
به وسعت پاکی کودکان

● سواد رسانه ای خانواده در
استفاده کودکان از تلویزیون

● تمساح سواری مجازی

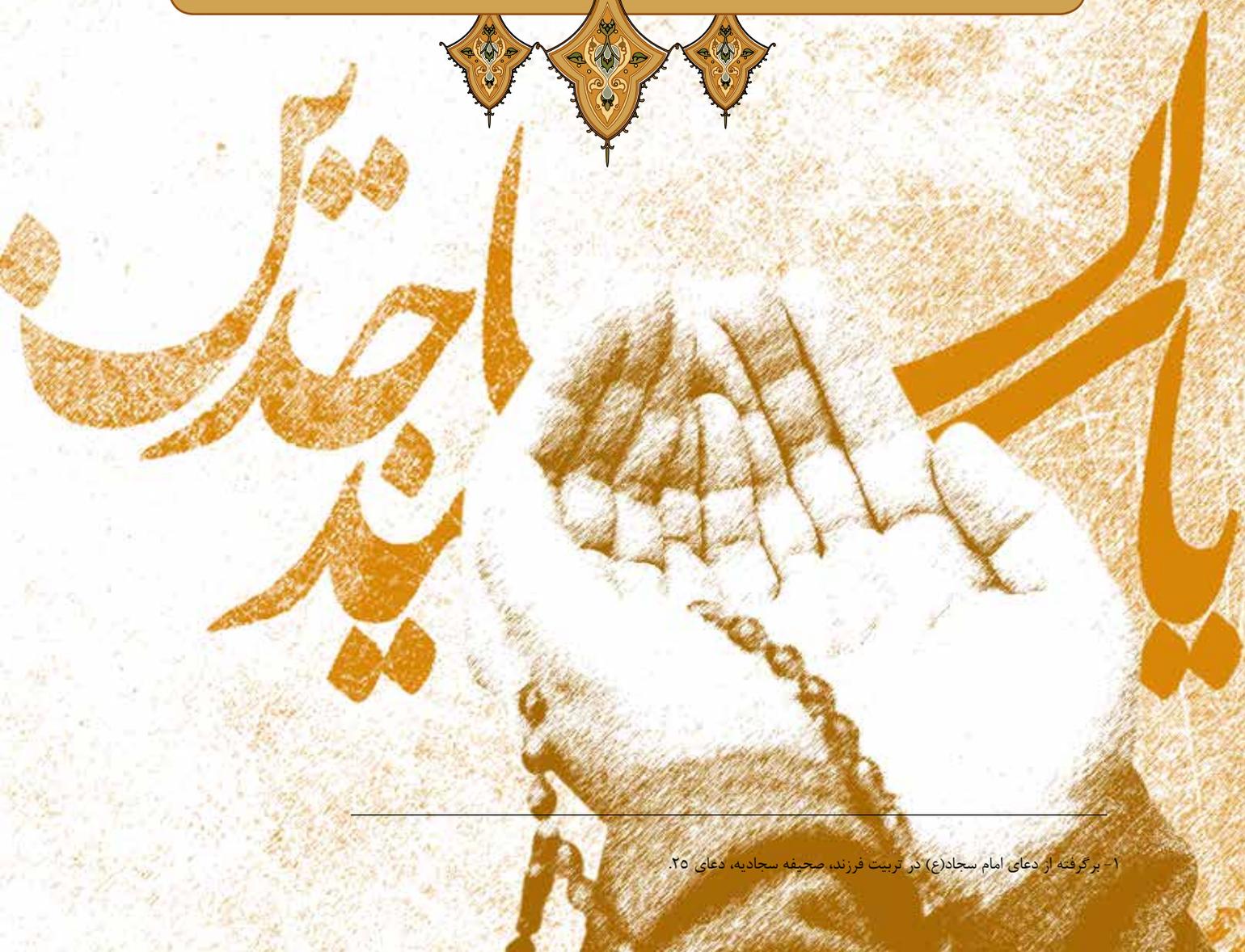




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بِنَقَاءِ وُلْدِي، وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي، وَبِإِمْتِنَاعِي بِهِمْ.
الهِهِ اَمْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي أَجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوْلِي
ضَعِيفَهُمْ، وَأَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ.

خدایا؛ بر من منت بگذار و توفیق ده
تا فرزندانم را از خردسالی به نحو شایسته تربیت کنم،
و در جسم، اخلاق، و دینداری به ایشان سلامت و عافیت عطا فرما.^۱



رشد

رشد آموزش

فصلنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای مربیان پیش‌دستانی، والدین،
مدرسان و دانشجویان | دوره سیزدهم | شماره ۱ | پاییز ۱۴۰۰ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

- ۲ **یادداشت سردبیر** / فطرت کودک در انتظار شکوفایی / مسعود تهرانی فرجاد
- ۴ **تربیت و یادگیری** / سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک به وسعت پاکی کودکان / دکتر رخساره فضل
- ۶ **راهبردهای تربیت و یادگیری** / تأثیر بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های سازمان نیافته بر یادگیری و رشد کودکان / دکتر بتول سبزه
- ۹ **باغ تجربه‌ها** / یادداشت‌های کاری من / هایده شاکری
- ۱۰ **راهبردهای تربیت و یادگیری** / تمساح سواری مجازی / لیلیا بیگوند
- ۱۲ **مربی** / باغچه‌بان اطفال / مریم شریف‌پور
- ۱۶ **باغ تجربه‌ها** / اولین تجربه من / شهرام امامقلی، صبریه یوسفی
- ۱۹ **کودکان با نیازهای ویژه** / سرآغازی مطمئن / مریم پورسلطانی
- ۲۰ **راهبردهای تربیت و یادگیری** / گرسبزن کنی به بچه صبرآموزی / فاطمه کارگر، دکتر سیامک طهماسبی
- ۲۳ **خانواده** / پدرها لطفاً به خانه برگردید! / روح الله رحیمی
- ۲۴ **مشاوره** / با کودک بد غذا چه کنیم / زهرا شعبان
- ۲۶ **شهد کلام وحی** / ابزارهای شکوفایی کودک / سارا دینی
- ۲۹ **مدیریت مهد کودک** / شاخص‌های کیفیت خدمات در مهدهای کودک ایران / دکتر لیلیا ولی‌زاده
- ۳۲ **کودک و رسانه** / سواد رسانه‌ای خانواده در استفاده کودکان از تلویزیون / دکتر معصومه نصیری
- ۳۵ **مهارت‌ها و ارزش‌ها** / داستان‌های سوادمالی، درس‌هایی برای زندگی / شیمیا فدوی
- ۳۷ **گزارش** / گزارش کمیته تدوین محتوای سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک / رقیه قنبری
- ۳۹ **نقد و نظر** / چالش‌های پیش روی سازمان ملی تربیت کودک / حمیدرضا محمدبیگی
- ۴۳ **گزارش** / بازتاب فعالیت‌ها در استان‌ها

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول: محمدابراهیم محمدی
سردبیر: مسعود تهرانی فرجاد
هیئت تحریریه:
دکتر بتول سبزه
مژ ترضی طاهری
دکتر سیامک طهماسبی
دکتر رخساره فضل
دکتر معصومه نصیری
مشاور علمی: دکتر فرخنده مفیدی
مدیر داخلی: رقیه قنبری
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: مجتبی احمدی
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۹
(داخلی ۲۴۲)
نمابر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: pishdabestani@roshdmag.ir
پيامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، با آموزش پیش‌دستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. ● مقاله‌های ترجمه شده با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا حروف چینی شود (مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). ● نشر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش‌دستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. ● مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی‌شود، معذور است.



رویکرد عناصر برنامه



تبیین رویکرد

یادداشت سردبیر

شکوفایی در انتظار فطرت کودک

● مسعود تهرانی فرجاد

با نگرشی جامع و درکی دقیق نسبت به کودک در هفت سال اول رشد و نموش در می‌یابیم، وی همواره تحت تأثیر رفتارها و گفتارهای خانواده و اطرافیان، اعم از مربی و عوامل محیطی قرار دارد و آن‌ها را به شکل گزاره و تصویر درون خود ذخیره می‌کند. این رفتار پایه رفتار و گفتار وی در سنین بالاتر می‌شوند. اگر این ذخیره پاک و طیب باشد، انعکاس آن نیز پاک و طیب خواهد بود. لذا عناصر دخیل در تربیت و تعاملات کودک باید در بستری طیب باشند تا پایه تربیت مبتنی بر فطرت توحیدی وی را استحکام بخشند. این نگرش بن‌مایه تربیت کودک را شکل می‌دهد. به طوری که انس کودک با طبیعت می‌تواند در مواجهه وسیع و متنوع با مسائل زندگی، زمینه‌ساز شکوفایی فطرت توحیدی و پایه همه رخدادهای مثبت در تربیت او باشد.

با مطالعه رویکردهای گوناگون و متداول در تعلیم و تربیت کودکان، اعم از مونتسوری، والدورف، رجیو امیلیا و ...، هر چند نقاط مشترک فراوانی بین آن‌ها یافت می‌شود، اما تفاوت در برخی موارد، از جمله هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، باعث تمایز و مرزبندی بین این رویکردها می‌شود. بر این مبنا برخی تمایزات مهم رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی را با هم مرور می‌کنیم.

- توجه به جایگاه بنیادین تعلیم و تربیت در دوره پیش از دبستان و تأثیرپذیری ژرف و ماندگار شخصیت انسان از تجربه‌های دوران اولیه کودکی، در اندیشه و عمل سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، والدین و دیگر دست‌اندرکاران دلسوز در تربیت کودک پیش از دبستان؛

- نگرش به کودک به‌عنوان امانتی الهی و دارای توان و استعدادهایی خدادادی؛

- اهتمام به رشد همه‌جانبه، یکپارچه و تعالی کودک در بستر انس با طبیعت؛

- توجه به فراهم آوردن محیطی با نشاط، آرامش‌بخش و دارای امنیت جسمی و روانی، با بهره‌مندی از عناصر طیب و سازگار با فطرت کودک؛

- توجه به ویژگی‌ها و اقتضات هر دوره از رشد کودک و نگرشی جامع و درکی دقیق نسبت به نیازهای وی در همه ابعاد اعم از زیستی، عاطفی،

پاییز را گوناگون می‌توان توصیف کرد. برخی پاییز را فصل خزان و نابودی و برخی فصل رنگ‌ها و جلوه‌ای از زیبایی و قدرت خداوند توصیف می‌کنند. شاعری مشهور این گونه به پاییز می‌نگرد:

دلخون شد از این افسرده پاییز
از این افسرده پاییز غم‌انگیز.

ولی دیگری معتقد است، پاییز دنیای سازش همه رنگ‌هاست با یکدیگر. تا من نگاه شیفته‌ام را در خوش‌ترین زمینه به گردش برم و از درختان باغ بیرسم خواب کدام رنگ را می‌بینند در طیف عارفانه پاییز؟

تفاوت نگرش‌ها در انتخاب جهت‌گیری‌هاست. هر فرد یا گروه مسیر برنامه خود را بر اساس شاخص‌ها معلوم و عملیاتی می‌کند.

تعیین جهت و شاخص لازمه هر برنامه‌ریزی و اقدامی است. در منابع تعلیم و تربیت، به‌طور معمول از واژه «رویکرد» در تبیین جهت‌گیری برنامه‌های آموزشی و پرورشی استفاده می‌شود.

رویکرد، جریانی است که جهت و روح حاکم بر برنامه را تعریف و تحلیل می‌کند؛ به طوری که هویت و انتظام هر برنامه به جهت‌گیری آن وابسته است و عوامل و عناصر مؤثر در هر برنامه و اقدام باید وفاداری و نسبت خود را با رویکرد برنامه تعیین و تضمین کنند. به عبارت دیگر، همه برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌ها و آموزش‌ها باید برای تحقق رویکرد تنظیم و تدوین شوند.

رویکرد برنامه تعلیم و تربیت دوره پیش از دبستان جمهوری اسلامی ایران بر رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی مندرج در برنامه درسی ملی مبتنی است و با توجه به اقتضات و نیازهای رشدی کودک سعی دارد وی را با بهره‌مندی از شایستگی‌های پایه (تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) در تعامل سازنده با خود، خدا، خلق و خلقت^۱ رشد و تعالی همه‌جانبه دهد و او را برای زندگی حال و آینده آماده کند.

زیبایی‌شناسی، اجتماعی و معنوی؛

- توجه به نقش الگویی خانواده به‌عنوان مربیان اول و دیگر دست‌اندرکاران تربیت کودک، به نحوی که لازم است تمام این عوامل گام‌به‌گام در تحقق رویکرد فطرت‌گرایی توجیه، همراه و فعال باشند؛
- توجه دادن مربی و خانواده به بهره‌مندی از کلام نیکو و طیب در آموزش‌ها و تعامل با کودک.

حتماً شما مخاطبان فرهیخته و دلسوز به موارد فوق نکات ارزنده‌ای خواهید افزود. از این رو منتظر نظارت و دیدگاه‌های ارزشمندتان در تعامل از طریق راه‌های ارتباطی مجله هستیم.

در این مجال، سخن پایانی اینکه، بر اساس تأکیدات فوق در برنامه‌ریزی برای آموزش و تربیت مطلوب کودک، حتی از دوره جنینی و پس از تولد باید تلاش کرد کودک به‌صورت هدفمند در معرض طبیعت قرار گیرد. زیرا این رویکرد و جهت‌گیری در برنامه تربیت و یادگیری کودکان پیش‌دبستانی می‌تواند پایه همه رخدادهای مثبت و زمینه‌ساز شکوفایی فطرت توحیدی در سنین بالاتر باشد.

اما برنامه‌ریزی برای تحقق رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی در دوره پیش از دبستان، به معنای تربیت ایزوله و تک‌بعدی کودک نیست، بلکه با در نظر گرفتن واقعیات و مواجهه وسیع و متنوع کودک در زندگی روزمره، قصد و جهت‌گیری اصلی، **خوگرفتن** وی با طبیعت است. در این صورت شاکله کودک برای شکوفایی فطرت توحیدی در وی و زمینه‌سازی برای دستیابی به مراتبی از حیات طیبه آماده‌تر خواهد بود. **ان شاءالله**

پی‌نوشت‌ها

۱. برنامه درسی ملی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. اسفند ۱۳۹۰.
۲. شایستگی‌های پایه و عرصه‌های ارتباطی نوآموز مندرج در برنامه درسی ملی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش. اسفند ۱۳۹۰.



سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک

به وسعت پاکی کودکان

● دکتر رخساره فضلی

● عضو هیئت تحریریه

فرهنگی ماده واحده «کلیات سامان دهی امور مربوط به مهدهای کودک» را در ۲۵ آذر ۹۹ تصویب کرد. اساسنامه سازمان در جلسه ۸۳۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی در هفتم بهمن ۹۹ تصویب و در ۲۶ اسفند ۹۹ توسط ریاست محترم جمهور ابلاغ شد. در بهار ۱۴۰۰ جلسات هیئت امنای سازمان به ریاست وزیر آموزش و پرورش برگزار و در خرداد ۱۴۰۰ سازمان تأسیس شد.

سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک

به استناد مصوبه ۸۳۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک شخصیت حقوقی مستقلی است که به صورت مؤسسه دولتی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تأسیس و به صورت هیئت امنایی اداره می شود. این سازمان متولی و مرجع انحصاری راهبری، سامان دهی، صدور مجوز هدایت و نظارت بر محتوا و منابع انسانی شایسته برای تربیت کودکان صفر تا شش سال تمام در مهدهای کودک و مراکز پیش دبستانی و سایر مراکز نگهداری و آموزش کودکان است.

طبق اساسنامه مصوب سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، دوره کودکی شامل کودکان گروه سنی بدو تولد تا شش سال تمام است که به دو دوره ۱۵ ساله تقسیم می شود. تعلیم و تربیت کودکان در این دوره با محوریت خانواده ها و مشارکت مردم، نهادهای دولتی و غیردولتی پیش بینی شده است.

مقدمه

کودکان بارزترین سرمایه های ملی و آینده سازان ایران عزیز اسلامی هستند. با توجه به حساسیت و اهمیت سال های اولیه کودکی، برنامه ریزی برای توسعه کمی و کیفی خدمات یکپارچه به آنان، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

طی تاریخ صدساله مکتوب ایران، توجه به کودکان پیش از دبستان در نظام تعلیم و تربیت فرازوفرودهای بسیاری داشته است. شهریور ۱۳۹۹ با فرمایش مقام معظم رهبری در اجلاس مدیران و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور، توجه همگان به ضرورت برنامه ریزی برای مهدهای کودک و به طور مشخص دوره پیش دبستان، بر اساس اسناد بالادستی، جلب شد. ایشان در آن نشست فرمودند: «مهد کودکها هم ذیل آموزش و پرورش است. مهد کودک فقط یک مرکز خدماتی نیست که بچه را حفظ کنند و خدمت بدهند، بلکه به یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است؛ برای مهد کودکها برنامه داشته باشید.»

بر اساس ابلاغیه فرمان ایشان به شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر ضرورت توجه به تعلیم و تربیت کودکان قبل از دبستان و تجمیع ارائه خدمات در مرکزی مستقل در وزارت آموزش و پرورش، از مهر ۹۹ موضوع توسط متخصصان، صاحب نظران و مسئولان بررسی شد و شورای عالی انقلاب



سازمان موظف است با برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت بر اجرای تعلیم و تربیت مبتنی بر نظام جامع تربیت دورهٔ کودکی و فراهم‌آوردن زمینه‌های لازم برای توانمندسازی و تسهیل ارائهٔ خدمات مشاورهٔ تربیتی به خانواده‌ها و ایجاد ظرفیت و تسهیلات لازم، برای پوشش کامل نوآموزان دورهٔ دوم کودکی برنامه‌ریزی کند.

استقرار سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک می‌تواند نویدبخش بهره‌برداری از فرصت حیاتی و طلایی پیش از دبستان و تربیت یکپارچهٔ کودکان از بدو تولد تا شش‌سالگی، متناسب با اسناد بالادستی، اهداف کلان ملی و توجه به ویژگی‌های کودکان در بستر فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی، با محوریت وزارت آموزش و پرورش و همکاری سایر دستگاه‌ها باشد.

از اصول حاکم بر تعلیم و تربیت کودکان، به رسمیت شناختن حقوق و تکالیف تربیتی والدین و فراهم‌آوردن زمینهٔ تربیت‌پذیری کودکان و حفظ یکپارچگی، همسویی و هماهنگی با نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور است. با توجه به حاکمیتی بودن آموزش و پرورش پیش از دبستان، تنظیم، برنامه‌ریزی، هدایت، نظارت و تعیین استانداردها، شاخص‌ها و سنجش‌های تعلیم و تربیت دوران کودکی بر عهدهٔ این سازمان نهاده شده است تا با مشارکت‌پذیری و عدالت‌محوری، جامعه‌نگری و توجه به تفاوت‌های فردی و فرهنگی، نقش خود را ایفا کند.

مسئولیت نگهداری و فراهم‌آوردن زمینهٔ تربیت کودکان در دورهٔ اول کودکی بر عهدهٔ خانواده است و سازمان نقش توانمندسازی خانواده‌ها را بر عهده دارد. در دورهٔ دوم کودکی، سازمان ضمن اهتمام به توانمندسازی خانواده‌ها، خدمات تعلیم و تربیت و سامان‌دهی امور را نیز ارائه می‌دهد.

مهم‌ترین اهداف سازمان، سامان‌دهی و مدیریت یکپارچهٔ امور تعلیم و تربیت دورهٔ کودکی و ارتقای شایستگی‌های تربیتی توانمندسازی و حمایت از خانواده‌ها و ارائهٔ آموزش‌های مناسب به کودکان در مراکز مورد تأیید و آماده‌سازی کودکان برای ورود به دبستان است. همچنین، زمینه‌سازی برای تکوین و تعالی هویت و رشد همه‌جانبهٔ کودکان را در ابعاد شناختی، عاطفی، روانی، حرکتی، اجتماعی، معنوی، زیستی و جسمانی بر عهده دارد.



تأثیر بازی‌ها و اسباب‌بازی سازمان‌نیافته بر یادگیری ورشد کودکان

دکتر بتول سبزه

عضو هیئت تحریریه



اشاره

بازی یکی از فعالیت‌های اصلی و سرگرم‌کننده دوران کودکی است که بخش زیادی از وقت کودکان به آن اختصاص می‌یابد. بازی‌های کودکان در سنین خردسالی شکل‌ها و انواع متنوعی دارند و هر یک بخشی از جنبه‌های رشدی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اگر بازی را چنان که پیازه ذکر کرده است، شغل کودکان به حساب آوریم، اسباب و وسایل بازی نیز به عنوان ابزار کار آن‌ها به حساب می‌آیند و به کودکان کمک می‌کنند از بازی‌های خود لذت بیشتری ببرند و از فایده‌های آن‌ها بهره‌مند شوند. بازی‌ها و وسایل سازمان‌نیافته برای کودکان فرصت‌های ارزشمند بی‌شماری به‌منظور سرگرمی، ابتکار و خلاقیت و برای بزرگسالان نیز موقعیت‌های مناسبی برای مطالعه و شناخت فراهم می‌آورند.

کلیدواژه‌ها: بازی، اسباب‌بازی سازمان‌نیافته، یادگیری، کودکان

بازی یکی از مهم‌ترین و لذت‌بخش‌ترین فعالیت‌های دوره کودکی است. اصولاً بازی به‌صورت خودجوش و با میل و رغبت خود کودک شکل می‌گیرد و او را شاد و سرگرم می‌کند. دیدگاه‌ها و نظریه‌های متعددی درباره بازی مطرح شده‌اند که از زاویه متفاوتی دلایل بازی را در کودکان مطرح می‌کنند. نظریه‌پردازان کلاسیک نظیر اسپینسر، لازاروس، پاتریک و استائلی‌هال، بازی را «عاملی برای تخلیه انرژی اضافی»، «تقلید محرکات و تمرین رفتارهای والدین و بزرگسالان»، «تجدید انرژی و تنش‌زدایی» و «بازپیدایی فعالیت‌های غریزی» و غیره بیان کرده‌اند. نظریه‌پردازان معاصر نظیر فروید، اریکسون، برونر و پیازه بر بازی به‌عنوان فرصتی برای «تخلیه هیجانات، عواطف و احساسات» و «رشد ذهنی، یادگیری و گسترش شناخت کودکان» تأکید کرده‌اند (میرزایی، ۱۳۹۵).

برخلاف تصور بسیاری از والدین و مربیان، بازی کودکان فقط سرگرمی یا فعالیتی بیهوده همراه با هرج و مرج، دویدن و فریاد کشیدن نیست، بلکه در ورای همه بازی‌های کودکان، طرح، هدف و برنامه‌ریزی وجود دارد. تلاش برای تغییر بازی‌های کودکان مطابق نظرات و برنامه‌های بزرگسالان، بدون در نظر گرفتن سن و سبب آن‌ها، نه تنها موجب ناخشنودی، خشم و گریه کودکان می‌شود، بلکه بروز برخی واکنش‌های رفتاری و هیجانی نامناسب یا اظهار ناصحیح و بی‌موقع احساسات آن‌ها را نیز در پی دارد (بولحسنی، ۱۳۸۸).

سوزان ایساکز از جمله محققانی است که در زمینه کار با کودکان قبل از دبستان تجربه‌های ارزشمندی داشته و به تبیین بازی در مراحل رشدی کودکان پرداخته است. از نظر ایساکز، بازی وسیله مهمی در رشد عقلانی کودکان کم‌سن است. به‌زعم وی، بازی به‌منزله پلی است که کودکان از طریق آن می‌توانند به ارزش‌های نمادین محیط خود دست پیدا کنند. از نظر ایساکز، کودکان در سنین گوناگون، انواع بازی‌ها را انجام می‌دهند و این به‌نوعی بیانگر مراحل پیشرفت در بازی تلقی می‌شود. کودکان در هر مرحله از بازی با توالی دقیقی مرحله قبلی را دنبال می‌کنند و بازی در هر مرحله با نضج و پختگی کودکان ارتباط پیدا می‌کند (احمدوند، ۱۳۹۹).

بازی‌های کودکان می‌توانند به‌صورت سازمان‌یافته، همراه با طرح و برنامه قبلی بزرگسالان ترتیب داده شود. این نوع بازی‌ها در هر سنی می‌توانند براساس هدف‌های مربوط به همان دوره سنی طرح‌ریزی شوند. دسته‌ای دیگر از بازی‌ها به‌صورت سازمان‌نیافته شکل می‌گیرند و تأثیرات متفاوتی بر یادگیری و جنبه‌های رشدی کودکان دارند. بر خلاف بازی‌های سازمان‌یافته که بزرگسالان آن‌ها را طبق نقشه و طرح قبلی و برای رسیدن به اهداف آموزشی و یادگیری خاصی تدارک می‌بینند، بازی‌های سازمان‌نیافته که خود کودکان به‌صورت خودجوش و دلخواه شکل می‌دهند، بیشتر از



زیادی از آن‌ها برای افزایش شناخت و درک دیدگاه‌های دیگران و کاهش خودمحوری در کودکان استفاده می‌شود (احمدوند، ۱۳۹۸).

بازی‌های دلخواهی از جمله بازی‌های سازمان‌نیافته‌ای هستند که به بهترین وجه ممکن تفکرات کودکان را نشان می‌دهند. این بازی‌ها را خود کودکان ابداع می‌کنند و تنوع و انعطاف بالایی دارند. از جمله این بازی‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: راه‌رفتن کودک در حاشیه پیاده‌رو، عقب‌عقب راه‌رفتن، بالا و پایین رفتن از پله به شیوه متفاوت، تکرار مجموعه‌ای فعالیت

تخیل و خلاقیت آنان نشئت می‌گیرند و آزادانه انجام می‌شوند. بازی‌های سازمان‌نیافته به لحاظ موقعیت‌های متفاوت یادگیری و فراهم آوردن فرصت برای ابتکار و خلاقیت کودکان، اهمیت و ارزش تشخیصی بسیار بالایی دارند؛ چون کودکان در این بازی‌ها به‌طور ناخودآگاه احساس‌ها، هیجان‌ها و درونیات خود را فرافکنی می‌کنند و سرنخ‌های بسیار مهمی را در اختیار والدین و مربیان قرار می‌دهند تا بتوانند جنبه‌های شخصیتی و رفتاری آن‌ها را بهتر بشناسند.

بازی‌های سازمان‌نیافته می‌توانند به‌صورت فردی یا چندنفره برای کودکان دو تا شش‌ساله ترتیب داده شود. به اعتقاد ژان شاتو، بازی‌های کنشی از قبیل بازی‌های زبانی و بازی‌های راه‌رفتنی که در راستای اشتیاق کودکان برای شناخت دنیای اطراف و سازگاری با محیط شکل می‌گیرند و کم‌کم به شکل‌های پیچیده‌تر مانند بازی‌های دویدنی و بازی‌های جیغ و دادی ظاهر می‌شوند، به‌نوعی نشانگر بازی‌های سازمان‌نیافته‌اند که خود کودکان شکل می‌دهند. به‌زعم وی، بازی‌های تقلیدی و وانمودی نیز از جمله بازی‌های سازمان‌نیافته‌ای هستند که در بدو امر با تقلید از خویشتن بروز پیدا می‌کنند و به‌تدریج به تقلید و همانندسازی با دیگران از قبیل وانمود کردن به خواندن روزنامه، شستن لباس یا پختن غذا و رانندگی کردن منجر می‌شوند و تا اندازه

بازی‌های کودکان می‌توانند به‌صورت سازمان‌یافته، همراه با طرح و برنامه قبلی بزرگسالان ترتیب داده شود. این نوع بازی‌ها در هر سنی می‌توانند براساس هدف‌های مربوط به همان دوره سنی طرح‌ریزی شوند.

متفاوت و حرکت کردن به شیوه‌ای خاص. آنچه در این بازی‌ها اهمیت دارد آزادی و لذتی است که کودکان آن را تجربه می‌کنند.

برخی از بازی‌های سازمان‌نیافته با استفاده از وسایل و ملزوماتی که کودکان در اختیار دارند، ترتیب داده می‌شوند. به عبارت دیگر، کودکان نیاز دارند با وسایلی بازی کنند که بتوانند از آن‌ها به شیوه خودشان استفاده کنند؛ وسایلی مانند قایق، ماشین، هواپیما، سه‌چرخه، قطار، انواع ابزار، عروسک، لباس و نظایر آن‌ها، به‌طور کلی وسایل و ملزوماتی هستند که کودکان می‌توانند با آن‌ها بازی‌های دلخواه خود را ترتیب دهند. کودکان تا حد زیادی تمایل دارند با وسایل داخل کابینت آشپزخانه، ابزارهای موجود در منزل مانند لوازم جعبه ابزار، جعبه خیاطی، بالش، پتو و ملافه سرگرم شوند و این به‌نوعی نشان‌دهنده ماهیت اصلی بازی است.

بازی با وسایل سازمان‌نیافته موجب می‌شود کودکان برای بازی خود برنامه‌ریزی کنند. آن‌ها در هنگام بازی ابتدا فکر و سپس عمل می‌کنند. بازی با وسایل سازمان‌نیافته امکان تخیل و خلاقیت را برای کودکان فراهم می‌کند و آن‌ها بدون در نظر گرفتن چارچوب‌ها یا محدودیت‌های دنیای واقعی، آزادانه بازی می‌کنند. همچنین، حین بازی به صحبت با خود یا دیگران می‌پردازند و مهارت‌های کلامی آنان نیز تقویت می‌شود. علاوه بر این، اسباب‌بازی‌ها و وسایل سازمان‌نیافته فرصت‌های ارزشمندی را در اختیار والدین و مربیان می‌گذارند تا با مشاهده نحوه بازی کودکان، صحبت‌های آنان و استفاده‌شان از وسایل بازی، از احساس، هیجان و افکار آن‌ها که به‌طور ناخودآگاه در حین بازی فراکنی می‌شود، آگاه شوند. همچنین، از منظر روان‌شناسان شناختی، بازی با وسایل سازمان‌نیافته می‌تواند موجب رشد شناختی آنان را نیز فراهم کند. بازی‌های کودکان بهترین فرصت برای یادگیری موضوعات گوناگون هستند و هر چقدر محیط بازی کودکان غنی باشد، تجربه‌های یادگیری بیشتری برای آن‌ها فراهم و موجب یادگیری عمیق و پایدار در آن‌ها می‌شود.

اسباب‌بازی‌های سازمان‌نیافته

اسباب‌بازی‌های سازمان‌نیافته از جمله وسایلی هستند که شکل از پیش تعیین‌شده‌ای ندارند و برای هدف خاصی طراحی نشده‌اند، بلکه این قابلیت را دارند که کودکان در حین بازی با آن‌ها بتوانند به شیوه‌های جدیدی از آن‌ها استفاده کنند و از ابتکار و خلاقیت خود بیشتر بهره‌گیرند. دسته‌ای از اسباب‌بازی‌های سازمان‌یافته هم وجود دارند که کودکان در حین بازی، از آن‌ها نه براساس هدفی که برای آن ساخته شده‌اند، بلکه به شیوه‌های نمادین و متفاوت استفاده می‌کنند. برای مثال، زمانی که کودکان از ماشین‌های اسباب‌بازی به‌عنوان دیوار مزرعه حیوانات پلاستیکی خود و از بالش‌های خود به‌عنوان قایق استفاده می‌کنند.

به هر صورت، این نکته برای والدین و مربیان اهمیت دارد که تشخیص دهند مراحل متفاوتی از بازی وجود دارد و هر مرحله متوالی وسایل و اسباب‌بازی‌ها و فرصت‌های مقتضی را ایجاد می‌کند. از جمله اسباب‌بازی‌های سازمان‌نیافته براساس سنین متفاوت کودکان عبارت‌اند از:

از تولد تا دو سالگی: با توجه به اینکه کودکان در این سن از بازی با وسایل متحرک و صدا دار لذت می‌برند و حواس پنجگانه آن‌ها رشد می‌یابد، با رعایت موارد ایمنی و سلامت کودکان در این سنین، می‌توان

از انواع آویزهای رنگی، اشیا و وسایل متحرک، توپ‌ها، جفجغه‌ها، کتاب‌های پارچه‌ای یا پلاستیکی، مکعب‌های سبک چوبی و رنگی، حلقه‌های پلاستیکی، عروسک‌های نرم و صدا دار، انواع ظروف پلاستیکی آشپزخانه و پارچه‌های رنگی استفاده کرد.

دو تا چهار سالگی: در این سن کودکان مهارت استفاده از عضلات بزرگ و تا حدودی عضلات کوچک را به دست آورده‌اند و بسیار کنجکاو، پرانرژی و دارای تخیل قوی هستند. لذا وسایلی از طیف‌های گوناگون، از قبیل وسایل زیر، می‌توانند مناسب باشند:

- وسایل و اسباب‌بازی‌های کشیدنی و هل‌دانی مانند انواع ماشین، واگن، فرقون یا چرخ‌دستی کوچک، جاروبرقی و گهواره عروسک.

- وسایل و اسباب‌بازی‌های محرک در فضای باز مانند تاب، سرسره، الاکلنگ و بازی با توپ یا لی‌لی کردن.

- وسایل بازی‌های تعادلی مانند تخته‌های تعادل، بالارفتن از نردبان، آویزان شدن از میله و سینه‌خیز رفتن در داخل تونل.

- اسباب‌بازی‌های ساختنی مانند بلوک‌های چوبی و پلاستیکی، قطعات خانه‌سازی، پازل‌های مکعبی و جاگذاردنی.

- اسباب‌بازی‌های جورکردنی مانند جفت‌کردن شکل‌هایی نظیر مکعب، استوانه و هرم.

- اسباب‌بازی‌هایی با قطعات جداشونده که کودکان دوباره بتوانند آن‌ها را سرهم کنند.

- اسباب‌بازی‌های نخ‌کردنی مانند نخ و مهره.

- اسباب‌بازی‌های شبیه‌سازی‌شده از وسایل واقعی زندگی، مانند ابزارهای خیاطی، نجاری، وسایل خانه (مانند یخچال، اجاق گاز، کمد، ظروف آشپزخانه) ماشین‌های کوچک واقعی، کامیون‌های اهرمی و وسایل باغبانی.

چهار تا شش سالگی: کودکان در این سنین به بازی‌هایی که برحسب طرح و نقشه باشند، علاقه‌مند می‌شوند. همچنین، تمایل آن‌ها به بازی‌های وانمودی و نمایشی نیز زیاد است. لذا می‌توانند از وسایل متنوعی به‌تنهایی یا به همراه هم‌سالان خود استفاده کنند؛ از قبیل اسباب‌بازی‌های ساختنی؛ جورکردنی؛ دست‌ورزی. نیز وسایل بازی برگرفته از طبیعت مانند آب، خاک، گل، شن، چوب؛ انواع وسایل موسیقایی مانند فلوت و مثلث؛ انواع وسایل هنری مانند مدادهای رنگی، آبرنگ و گواش؛ انواع کتاب‌های بازی مانند پازلی، سه‌بعدی، تصویری، پارچه‌ای و جیب‌دار.

منابع

۱. احمدوند، محمدعلی (۱۳۹۸). روان‌شناسی بازی. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران.
۲. مجیب، فرشته (۱۳۹۷). اصول و تئوری بازی‌ها در دوره پیش‌دبستان. فاطمی. تهران.
۳. میرزایی، مریم (۱۳۹۵). بازی و اسباب‌بازی. جهاد دانشگاهی تهران. تهران.
۴. بهشتیان، محمد (۱۳۸۸). راهنمای انتخاب اسباب‌بازی. بهشتیان. تهران.

یادداشت‌های کاری من

● هایدی شاکری

● مربی پیش دبستان استان خوزستان

درس معلم/ار بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریزی پای را

با توجه به اینکه آموزش در دوره پیش دبستانی باید به صورت سمعی و بصری باشد، لازم است بینایی، شنوایی و تمرکز نوآموزان را تقویت کند تا بدین وسیله آن‌ها بتوانند به مهارت‌های خوب گوش دادن و خوب دیدن برای درک و یادگیری مطالب مهم‌تر و سخت‌تر در سال‌های آتی دست پیدا کنند. همه ما در طول زندگی مان با افراد متفاوتی در گروه‌های سنی متفاوت برخورد کرده‌ایم. پاک‌ترین، راستگوترین و وفادارترین آن‌ها کودکان هستند. لذا باید هوشیار بود که این لوحه سفید را به غلط طراحی یا خط‌خطی نکنیم، زیرا در این صورت، هیچ غلط‌گیر و پاک‌کنی آن را پاک نخواهد کرد. البته این اشتباه علاوه بر نابودی زندگی و آینده کودک و خانواده‌اش، اجتماعی را هم نابود خواهد کرد.

با توجه به نکات بالا و درک اهمیت شغل خطیر معلمی، ضرورت توجه به نوآموزان و ارتباطات بیشتر با آن‌ها و سعی در مراقبت از این کودکان مشتاق و آینده‌ساز مملکت، اهمیت دوره آموزش پیش دبستان بر همگان مشخص می‌شود.

چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد

امروزه عالمان و فرهیختگان علم تعلیم و تربیت سعی دارند پایه و اساس علوم را بر ذوق و علاقه دانش‌آموزان استوار سازند. از این رو، این جانب که سال‌هاست به تعلیم و تربیت نوآموزان کشورم اشتغال دارم، درصدد برآمدم مقاله‌ای در زمینه تجربه‌های خود بنویسم؛ تجربه‌هایی درباره سهل و ساده بودن تدریس، و به کار گرفتن سبکی که نه تنها دانش‌آموزان از فراگرفتن آن دچار خستگی نمی‌شوند، بلکه خستگی‌هایشان نیز از بین می‌رود. نوآموزان از میان گفتارها و مطالبی که روزانه می‌شنوند، قسمت‌هایی را زودتر فراموش می‌گیرند که موزون و همراه با نواهای گوناگون کودکان باشند. آن‌ها از کلیه کتاب‌هایی که در دسترسشان قرار می‌گیرد، بیشتر به قسمت‌هایی توجه می‌کنند که مصور و شامل عکس‌ها و نقاشی‌های زیبا و جالب باشند.

زبان و گفتار نقشی بسیار اساسی در بیانات ما دارد و در واقع ابزار و وسیله‌ای برای ارتباط برقرار کردن با نوآموزان است. نکته بسیار مهم و کلیدی قبل از هر نوع آموزش، ارتباط برقرار کردن آموزگار یا مربی با دانش‌آموز است. این ارتباط از طریق گفتار صورت می‌گیرد. لذا نوآموز زمانی مطلبی را یاد می‌گیرد که گوینده را دوست بدارد و به او اطمینان داشته باشد؛ اطمینان عاطفی. کودکی که تحت تأثیر تشویق‌های محرک معلم خویش قرار می‌گیرد، می‌آموزد که بیشتر ببیند و بیشتر حس کند. معلم باید قبل از شروع به کار آموزش، کودک را علاقه‌مند و پایبند به خود و کلاس کند. بعد از وابستگی، آموزش آغاز می‌شود. آن موقع است که کودک مشتاقانه به مدرسه و کلاس می‌آید و هر روز برای یادگیری آماده‌تر از روز قبل خواهد بود.



مجازی

تمساح‌سواری

● لیلا بیگوند
کارشناس نمایش خلاق



اشاره

پس از خانه‌نشینی به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، شروع کردم به نوشتن طرح درس‌هایی به شکل بازی‌های هدفمند، بازی‌های نمایشی و وانمودی به همراه والدین، و انجام کارهای تجسمی مرتبط با اهداف. این طرح درس‌ها را در فضای مجازی بارگذاری می‌کردم.

چگونگی شکل‌گیری و طراحی ایده

نوآموزان با قصه به راحتی ارتباط می‌گیرند؛ به خصوص قصه‌هایی که قبلاً خوانده باشند. از آنجا که در نوشتن نمایش نامه، قصه‌خوانی و قصه‌نمایش برای کودک تجربه‌هایی داشتیم، به یاد داستان تمساح و میمون برگرفته از «کلیله و دمنه» افتادم و شخصیت اصلی نمایش را تمساح تعیین کردم.

برکه آب و تمساح

هدف

- بروز خلاقیت و دست‌ورزی؛ زمانی که کودکان حیوانی را انتخاب می‌کنند و عروسک کاغذی‌اش را می‌سازند؛

- تقویت بیان، بروز احساس، عواطف و افکار؛ زمانی که نوآموز با بدنش حرکات و صدای موجودی را در برکه آب تقلید می‌کند. همچنین، زمانی که عروسک کاغذی‌اش را حرکت می‌دهد و به جای او صحبت می‌کند؛
- رشد حواس زیبایی‌شناختی؛ زمانی که نوآموز حرکت عروسک را با بیان راه‌حل هماهنگ می‌کند. همچنین، زمان ساخت عروسک و انتخاب حرکات‌های خلاقانه برای عروسک‌های کاغذی‌شان؛
- تفکر خلاق؛ زمانی که بچه‌ها برای رفع چالش ایده‌های خلاقانه پیشنهاد می‌دهند.

- مهارت گوش‌دادن؛ زمانی که داستانی را که مربی می‌گوید گوش می‌دهد و راه‌حل دوستانش را می‌شنود.

وسایل لازم: کاغذ سفید، نی پلاستیکی و هر وسیله‌ای که برای رنگ‌آمیزی در دسترس باشد.

روش اجرا: تسهیلگر موسیقی پخش می‌کند و به بچه‌ها می‌گوید:



برای مثال: مربی با آهنگ و شعر می‌گوید: «وای وای دندونم، درد می‌کنه دندونم، افتاده از جاش یکدفعه! آهای آهای قورباغه! داری داری دردم؟»

نوآموزان که عروسک قورباغه را در دست دارد، با حرکت آن، راهکار می‌دهد. شاید بگویید: برو پیش ماهی، شاید که اون بدونه!» مربی با حرکت دادن تمساح کاغذی خود، به ماهی می‌گوید دندانش شکسته و پیش قورباغه بوده است. او گفته است بیایم پیش تو، شاید بدانی چکار کنم با درد دندانم. در زمانی که حیوانات (دانش‌آموزان) به تمساح راه‌حلی می‌دهند، تسهیلگر از بچه‌ها می‌خواهد همه آن را با هم اجرا کنند. مثلاً اگر پشه بگوید: «از آب بپر بیرون و دوباره بپر تو آب، شاید که خوب بشه!» مربی باید به بچه‌ها بگوید: «بچه‌ها همه شبیه تمساح شویم و پیشنهاد پشه را انجام دهیم.»

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فعالیت‌های نمایش خلاق که برای نوآموزان انجام شده بود، برایشان بسیار شیرین و دوست‌داشتنی بود. آن‌ها در دیدار برخط بعدی می‌خواستند دوباره این نمایش را اجرا کنیم، چرا که به راه‌حل‌های جدیدی برای چالش درد دندان تمساح دست پیدا کرده بودند. گویی در دنیای خیالشان همچنان برای تمساح دندان شکسته داستانی به دنبال راه‌حلی بودند. این نشان می‌داد ارتباطی که کودکان با عروسک‌های کاغذی خود ایجاد کرده بودند، برایشان جذاب و خاطره‌انگیز بوده است. با مشاهده این رفتار به این نتیجه رسیدیم که برنامه‌درسی نمایش خلاق به همراه قصه‌گویی، بر رشد خلاقیت نوآموزان افزوده است.

پیشنهادها

بهتر است یک نیروی کمکی مثل مربی پیش‌دبستان یا معلم کلاس، در زمانی که شما مشغول انجام حرکات نمایشی هستید، یکی یکی به بچه‌ها صدا و تصویر بدهد. با آموختن تصویر و صدای هر نوآموز شوقی در بقیه ایجاد می‌شود و آن‌ها در انتظار خواهند بود تصویرشان روی صفحه نمایشگر بیاید تا حرکات و عروسک‌هایشان را به دوستانشان نشان دهند.

از بچه‌ها بخواهیم دستگاه‌های ارتباطی را در جایی ثابت و دورتر از خودشان قرار بدهند.

زمانی که بچه‌ها می‌خواهند پیشنهاد دهند، اعلام آمادگی کنند (تایپ کنند یا دستشان را بالا ببرند) تا یکی یکی نظر خود را در مورد چالش بیان کنند. در صورتی که والدین به انجام نمایش خلاق همراه با عروسک با کودکان تمایل داشتند، آن‌ها را در این کار مشارکت دهیم تا در کنار کودکانشان لحظات شادی را داشته باشند. بهتر است طرح درس‌های نمایش خلاق همراه با عروسک، برای رده‌های سنی دیگر، حتی بزرگسال، دختران و شهرستان‌های دیگر، انجام شوند و نتایج در اختیار دیگر تسهیلگران قرار گیرند.

«بچه‌ها اسم هر حیوانی را که آوردیم، شما سعی کنید، شبیه به آن حیوان شوید. هر جا موسیقی قطع شد، بی‌حرکت (فریز) شوید. من ممکن است یکی از شما را انتخاب و تصویر او را باز کنم تا همه ببینند. سعی کنید حرکتی که انجام می‌دهید با موسیقی هماهنگ باشد. چند نمونه ایده برای اجرای مرحله اول یا گرم کردن اولیه:

- همه با هم اسب آبی شویم:
- اسب آبی خیلی تند می‌رود؛
- اسب آبی خمیازه می‌کشد؛
- اسب آبی زیر آب شنا می‌کند؛

● همه با هم سنجاقک، ماهی و قورباغه شویم. حرکات و صدای آن‌ها را در آوریم.

مربی بر حرکت هماهنگ با موسیقی تأکید می‌کند و هم‌زمان بچه‌ها را روی صفحه مانیتور انتخاب می‌کند تا بقیه او را مشاهده کنند. در مرحله دوم به نوآموزان می‌گوییم: بچه‌ها، بیایید در خیالمان با هم برویم به یک برکه آب. اما قبل از رفتن باید هر کدامتان به یک حیوان تبدیل شوید. من (تسهیلگر) می‌آیم دنبالتان تا با هم برویم. راستی من به یک تمساح بزرگ تبدیل شدم و شما می‌توانید پشت من سوار شوید.

تسهیلگر بچه‌ها را تک‌تک بر پشت تمساح سوار می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد قبل از سوار شدن، صدا و حرکات هر حیوانی را که انتخاب کرده‌اند، تقلید کنند. تسهیلگر به بچه‌ها می‌گوید وقت غذا شده است. همه از پشت من پیاده شوید و غذایتان را بخورید. همه درحال خوردن غذا هستند که ناگهان تسهیلگر می‌گوید: «آی دندونم، وای دندونم.»

در مرحله بعد می‌گوید: تمساح ما دچار مشکلی شده است. یکی از دندان‌هایش شکسته است و حسابتی درد می‌کند.

● بچه‌ها همه شبیه تمساح شویم:

- چطور می‌خورد؟
- چطور غذا می‌خورد؟
- اگر دندان تمساح درد بگیرد، چکار می‌کند؟
- چطور ناله می‌کند؟

در مرحله بعد تسهیلگر از بچه‌ها می‌خواهد عکس حیوانی را که انتخاب کرده‌اند روی کاغذ سفید بکشند. رنگ کنند و دور آن را با قیچی برش دهند و سپس با چسب به نی بچسبانند. مربی هم عروسک تمساح کاغذی‌اش را با کاغذ درست کرده و برکه آب را ساخته است.

در مرحله بعد تمساح برای درمان درد دندان شکسته‌اش به سراغ تک‌تک حیوانات می‌رود. مربی از بچه‌ها می‌خواهد هر کدام با عروسک کاغذی ساخته خود ادامه قصه را بگویند (زمان را برای هر کدام از نوآموزان اعلام می‌کنیم. برای مثال یک دقیقه وقت دارند ادامه داستان یا راه‌حل را بگویند).

باغچه بان اطفال

مریم شریف پور
کارشناس علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان



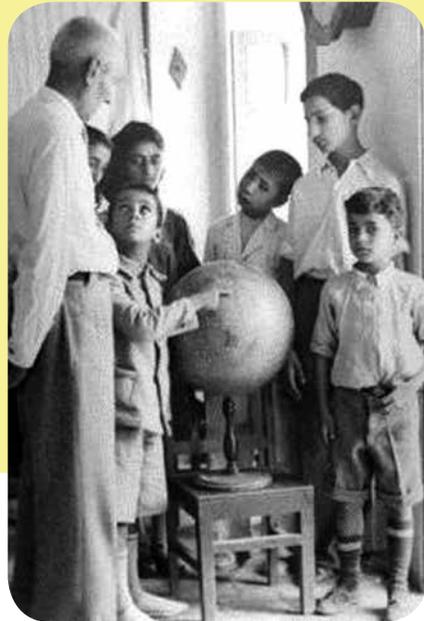
اشاره

امروزه یکی از مسائل مهم آموزش و پرورش، آموزش کودکان با روش‌های نوین تدریس و جایگزین کردن روش‌های جدید با روش‌های قدیمی است. جبار باغچه بان، نخستین پدیدآورنده باغچه اطفال در ایران، به عنوان آموزگاری بدیعه پرداز که به خوبی روش‌های نوینی را وارد نظام آموزشی کشور کرد، می‌تواند الگوی مناسبی برای پروراندن قوه خلاقیت در آموزگاران و هدایتگر راه مهربانی باشد. در این مقاله تلاش شده است روش‌های تربیتی این آموزگار بزرگ معرفی و راهکارهای مفیدی برای آیندگان عرصه معلمی عرضه شود.

کلیدواژه‌ها: باغچه بان، شیوه‌های تربیتی و آموزشی کودکان، شیوه‌های نوین تدریس، ابداعات آموزشی

مقدمه

جبار عسگرزاده روشنگر تاریکی‌های زندگی کودکان ایران و پایه گذار آموزش و پرورش پیش از دبستان و از پیشگامان عرصه ادبیات کودک بود. در سال‌های قحطی زده و شیوع حصبه، قانقاریا و کچلی، نه تنها با روش‌هایی بسیار نو و بدیع به آموزش شاگردانش پرداخت، بلکه تمام تلاش خود را برای سلامتی آنان و فراهم کردن امکانات آموزشی لازم به کار گرفت. جبار عسگرزاده که بعدها خود را باغچه بان نامید، یگانه معلمی است که با معجزه‌های آموزشی‌اش نام خود را در دنیای کودکان جاودانه ساخت. شایسته است همه معلمان با آگاهی از نحوه کار این مربی بزرگ، در تلاطم روش‌های آموزشی بسیار موفق ایشان کوشا باشند.



زندگی

جبار در سال ۱۲۶۴ در ایروان به دنیا آمد. در جوانی مدتی در خانه‌ها به کودکان درس می‌داد. بعد خبرنگار روزنامه قفقاز و مجله فکاهی ملانصرالدین شد (باغچه‌بان و میربابایی، ۱۳۸۹: ۳۵ تا ۴۲). در میانه جنگ مسلمانان و ارمنه دستگیر شد. بر اثر حصه پاهایش سیاه شدند و قانقاریا گرفت. او را نزد طبیعی بردند.



طیب وقتی فهمید او در گذشته معلم بوده است، بسیار خوشحال شد، زیرا معلمان در آن روزگار فراری شده بودند. به جبار کمک کرد دبستانی افتتاح کند. چهار فرزند طیب اولین شاگردان جبار بودند و همسرش هم کار تدریس دختران را آغاز کرد. روز اولی که وارد کلاس درس شد، بوی تعفن و تهوع‌آوری به مشامش خورد و منظره سرهای کچل واقعا او را آزرده‌خاطر کرد. از بقیه کمک مالی گرفت، برای بچه‌ها صابون خرید و با دستور استفاده برای خانواده‌ها فرستاد. در مدرسه هم برای معاینه دانش‌آموزان دکتر آورد. مدیر مدرسه به سایر معلمان سفارش کرده بود از روش‌های او استفاده کنند. با نامه‌نگاری‌های فراوان توانست برای بچه‌ها لباس‌های هم‌شکل تهیه کند. سیل نامه‌های تقدیر از او آن قدر زیاد شد که رئیس فرهنگ تبریز خواستار دیدار او و انتقالش به تبریز شد. روزی رئیس اداره فرهنگ با چند نفر

سرزده وارد کلاس او شدند و از بچه‌ها درخصوص فارسی، جغرافی و حساب سوالاتی کردند. چنان از پاسخ‌های درست آن‌ها خرسند شدند که دستور دادند هزینه خرید وسایل کمک آموزشی را که جبار از پول خود تهیه کرده بود، به او بدهند. هدیه‌ای تشویقی هم برای جبار در نظر گرفتند.

جبار برای اولین بار در مدرسه برنامه ورزشی برگزار کرد. با طبل و دهل با دانش‌آموزان به گردش می‌رفتند و مسابقه دو برگزار می‌کردند (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۵۴ تا ۷۲). با الهام از دیدگاه فروبل که نخستین کودکستان را با نام «باغچه» در آلمان پایه گذاشت، در سال ۱۳۰۳، پس از بازدید از کودکستان ارمنیان تبریز و با تشویق مدیر کل فرهنگ آذربایجان، نخستین کودکستان ایرانی را باز کرد و نام آن را «باغچه اطفال» گذاشت. برای خود نیز نام خانوادگی «باغچه‌بان» را برگزید (ابراهیمی، ۱۳۸۶ الف: ۴۲).

در آن زمان، کارهای دستی، بازی، نمایشنامه، سرود، شعر و قصه رایج نبود و جبار باغچه‌بان با قلم خود آن‌ها را تهیه می‌کرد. ماسک و دکوراسیون نمایش را خودش آماده می‌کرد و همسرش لباس‌های مخصوص برای نمایش می‌دوخت. روی آهنگ‌های آسان و مناسب شعر می‌گذاشت و برای کودکان سرودهای کودکانه می‌ساخت. همسر جبار و پسرشان ثمین، با ضربه‌های تار، نمایش موزیکال را هم پی‌ریزی کردند. ابتکارات او در آن روزگار و حتی در زمان حاضر بی‌سابقه است. در آذربایجان که کودکان دوزبانه بودند، برای آموزش فارسی، کتاب «الفبای آسان» را تألیف کرد و برای معلمان راهنما نوشت (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۶۰ تا ۷۲)

زمانی که اعلانی برای آموزش خواندن و نوشتن کر و لال‌ها پخش کرد، با شرایط بخرنجی روبه‌رو شد که خود آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «شاید تصور شود که بر اثر آن اعلان، که در آن زمان شبیه به دعوت پیغمبری بود، دوستان با دسته گل به تبریک من آمدند و با شور و شغف برای فهمیدن چگونگی نقشه و روش تعلیم من دورم را گرفتند! ولی این‌طور نشد، هر چند عده‌ای مرا تکذیب و تمسخر کردند و عده‌ای مرا شاید خواندند» (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۹۶). در زمان برگزاری امتحان جشنی گرفته شد. جا برای سوزن انداختن نبود. سه کودک کر و لال برای مردم درس خواندند و روی تخته سیاه دیکته نوشتند. پس از آن تقدیر و تمجیدها آغاز شد (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۱۰۲). روش نام‌نویسی در مدرسه‌اش هم ابتکاری به این شکل بود که باید پرسشنامه‌های حاوی سوالاتی درباره تعداد فرزندان خانواده و اخلاق و روحیات و شغل و سلامت کسانی که اطراف کودک بودند، پر می‌شد. باغچه‌بان در سال ۱۳۴۵ دنیا را با تمام فراز و فرودهایش بدرود گفت (باغچه‌بان و میربابایی، ۱۳۸۹: ۴۹-۱۲۰).

ابتکارات و اختراعات

ابداع روشی جدید برای آموزش الفبا؛ پایه‌گذاری ادبیات نمایشی کودکان؛ آغاز تعلیم به کودکان کر و لال؛ الفبای گویای باغچه‌بان؛ پایه‌گذاری آموزش ناشنوایان در ایران؛ روش شفاهی در تعلیم ناشنوایان، آموزش روش حساب ذهنی به ناشنوایان، گاهنجار (گاه‌نما)، وسیله‌ای برای نشان دادن پستی‌ها و بلندی‌های اقیانوس‌ها روی نقشه؛ اختراع تلفن گنگ یا گوشی استخوانی، وسیله‌ای که کر و لال‌ها با گرفتن میله آن به دندان می‌توانند از طریق استخوان فک ارتعاشات صوتی را دریابند و با آن بشنوند. این دستگاه در سال ۱۳۱۲ به ثبت رسید.

آثار و کتاب‌ها

تأسیس اولین کودکستان در شیراز؛ تألیف اولین نمایشنامه ویژه کودکان در ایران؛ برنامه کار آموزگار؛ الفبای آسان؛ الفبای دستی مخصوص ناشنوایان؛ زندگی کودکان؛ دستور تعلیم الفبا؛ علم آموزش برای دانشسراها؛ الفبای خودآموز برای سالمندان؛ الفبا؛ اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفبا؛ الفبای گویا؛ برنامه یک ساله؛ کتاب اول ابتدایی؛ حساب؛ آدمی اصیل و مقیاس واحد آدمی؛ روش آموزش کر و لال‌ها؛ زندگی نامه باغچه‌بان به قلم خودش (محمدی، ۱۳۸۰: ۴۳).

باغچه‌بان اولین کسی بود که برای آموزش از تخته سیاه و گچی که خود ساخته بود استفاده کرد (نوری، ۱۳۹۵: ۴). همچنین، اولین کسی بود که برای آموزش روزهای هفته و واژه‌های دیروزه، امروز، سال و روز به کودکان ناشنوا انواع تقویم گردان را درست کرد (باغچه‌بان، ۱۳۵۵: ۱۰۵). مجله زبان با همان زبان آموزگار باغچه‌بان، مجله‌ای آموزشی اجتماعی بود. او معتقد بود تا فرهنگ یک کشور اصلاح نشود، امور کشور اصلاح نخواهد شد و این مهم فقط از عده معلمان بر می‌آید و بس (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۹۵). باغچه‌بان در این مجله روش تعلیم الفبای خود را به کار می‌برد و از علمی بودن آن اطمینان یافته بود. او این روش را به عنوان روش جدید در اختیار کودکان ناشنوا گذاشت (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۱).

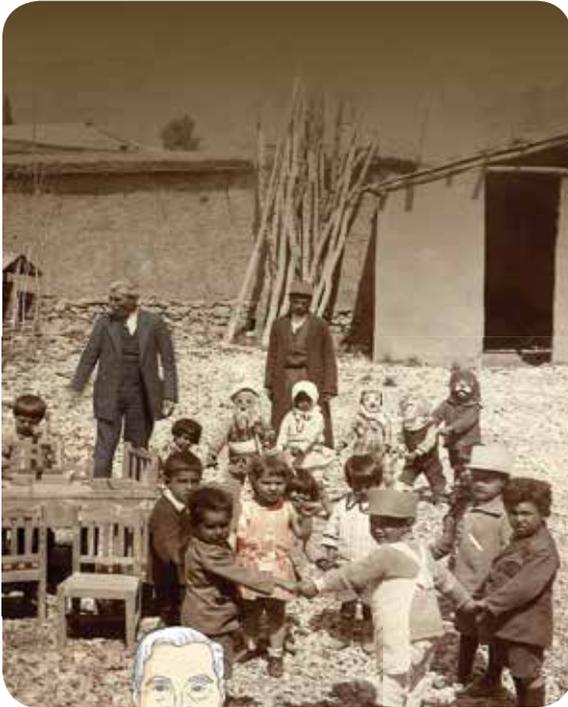
دیدگاه‌های آموزشی

دیدگاه‌ها و نظرات آموزشی باغچه‌بان در آموزش کودکان را می‌توان در کتاب‌های او، به خصوص کتاب‌های روش آموزش کر و لال‌ها، برنامه کار یک‌ساله آموزگار در کلاس اول، اسرار تعلیم و تربیت، و کتاب حساب یافت. باغچه‌بان بر این عقیده بود که با استفاده از قوانین طبیعی و روان‌شناسی می‌توان بهترین نتیجه را از آموزش و پرورش کودکان گرفت. «امر تعلیم و تربیت نیز یکی از امور طبیعت و دارای قوانین مخصوص است که اگر مراعات نشود، نتیجه‌ای از اجرای آن به دست نمی‌آید». یکی از خصوصیات برجسته او استفاده از وسایل سمعی و بصری بود. او اولین کسی است که در ایران آموزش سمعی و بصری را وارد دستگاه آموزشی کشور کرد (محمدی، ۱۳۸۰: ۲۰ تا ۲۲).

باغچه‌بان اعتقاد داشت، حوادث دوران کودکی بر خلق و خوی فرد در آینده تأثیر خواهند داشت. او همواره در نوشته‌هایش طرز تربیت صادر خود را که براساس مهر و محبت بود، مفیدتر از روش استبدادی پدرش می‌دانست. جبار باغچه‌بان برای دانش‌آموزانش ارزش زیادی قائل بود. در خاطرات خود آورده است: کودکانی که فقیر هستند و به دبستان آمده‌اند، در بیرون از مدرسه شخصیتی نداشته‌اند. این وظیفه مدرسه است که کمبودهای این کودکان را تا حد امکان برای آن‌ها رفع کند. او به حدی به کودکان علاقه داشت که سر و صورت بچه‌های عرق کرده در حال بازی را می‌بوسید، می‌بویید و می‌گفت بوی گل می‌دهند. باغچه‌بان باور داشت معلم خوب معلمی خواهد بود که در گام نخست قادر به برقراری ارتباط خوب با دانش‌آموزانش باشد. او معتقد بود، اعطای جوایز به شاگردان و تشویق آنان، باعث می‌شود آن‌ها برای انجام بهتر کارها انگیزه بیابند. این شرایط آموزش را تسهیل خواهد کرد. دانش‌آموزان را در انجام تکالیف نباید مانند هم دانست. باید تفاوت‌های فردی آنان را نیز در نظر گرفت. معلم همواره باید در کاغذی تکالیف اضافی داشته باشد. دانش‌آموزی را که زودتر از کارش فارغ شده، نباید به حال خود گذاشت. باید او را مشغول کرد. باغچه‌بان به تفاوت‌های فردی شاگردان در کارهایش اشاره فراوان دارد. از معلمان می‌خواهد با هر نوع کودکی برخورد مساوی نداشته باشند (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۱۵ تا ۳۶). باغچه‌بان آموزگار خوب را فردی می‌داند که بعد از تدریس خود، با علاقه به پرورش نیروهای روحانی و تهذیب اخلاق کودکان بپردازد و دانش‌آموزانی زنده‌روح را که وجودشان برای کشور سودمند باشد، به جامعه



۵. محمدی، فهیمه (۱۳۸۰). احوال و دیدگاه جبار باغچه‌بان. پژوهشکده کودکان استثنایی. تهران.
۶. نوری، محمد (۱۳۹۵). سال‌شمار زندگی. فعالیت‌ها و خدمات جبار باغچه‌بان. دفتر فرهنگ معلولان. قم.
۷. باغچه‌بان، ثمین (۱۳۵۵). بهره‌ناشنوایان. انتشارات امیرکبیر. تهران.



تحویل دهد. توصیه بسیار سودمند باغچه‌بان به معلمان این است که دفتر مشاهداتی داشته باشند و ارزشیابی‌های مستمر خود را از عملکرد دانش‌آموز ثبت کنند. شیوه ارزشیابی او نیز توصیفی و با عبارات عالی، خوب، متوسط و پست بوده است (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۱۰۲ تا ۱۰۴).

جبار باغچه‌بان در تدریس از شیوه‌های نوینی استفاده کرد. از جمله:
الف. به کار بردن روش عملی در تدریس: برای مثال، به اجرا درآوردن نمایش؛ رفتن به باغ و نماز خواندن در آنجا؛ برگزاری مراسم ورزشی؛ رفتن به گردش با طبل و برگزاری مسابقه ورزشی؛ تدریس با استفاده از لوازم کمک‌آموزشی. او از آموزش به روش مستقیم و تدریس بدون استفاده از لوازم عینی و بصری پرهیز می‌کرد (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۵۴ تا ۷۳).

ب. حل مسئله در قالب حکایت و داستان: برای مثال، باغچه‌بان در کتاب برنامه کار یکساله آموزگار، داستان‌هایی ساده برای پاسخ‌گویی به سؤال‌ها مطرح کرده است (باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۴).

پ. آموزش همگام با بازی: برای مثال، آموزش حروف همراه با بازی (نگ. باغچه‌بان، ۱۳۵۶: ۲۸)؛ بازی‌های تفریحی در کلاس برای شادابی و رفع خستگی (همان، ص ۸۹)؛ بازی برای پرورش حواس کودکان (همان، ص ۴).

ت. روش ترکیبی: او شیوه آموزش سنتی را که ابتدا حروف تدریس می‌شد و سپس خواندن و نوشتن آموخته می‌شد، رد کرد و شیوه جدید خود را که به روش ترکیبی معروف است، پیشنهاد داد. در روش او، آموزش خواندن و نوشتن باید هم‌زمان صورت گیرند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ب: ۶۱).

جمع‌بندی

جبار باغچه‌بان به‌عنوان الگو و اسوه‌ای کامل در تعلیم‌وتربیت کودکان می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را در خصوص نحوه تعامل با کودکان برای تدریس موفق و همچنین روش‌های نوین تدریس و همگام با روان‌شناسی کودک، ارائه کند. او راز موفقیت خود را برقراری ارتباط عاطفی خوب با دانش‌آموزانش و احترام گذاشتن به شخصیت آنان می‌داند. شایسته است، معلمان بزرگوار ما از این بزرگ‌مرد عرصه تعلیم‌وتربیت الگوبرداری کنند و برای هر چه کامل‌تر شدن نحوه تدریس خود بکوشند. آن‌ها نباید محدودیت‌ها را بهانه‌ای برای نقص کار در نظر گیرند.

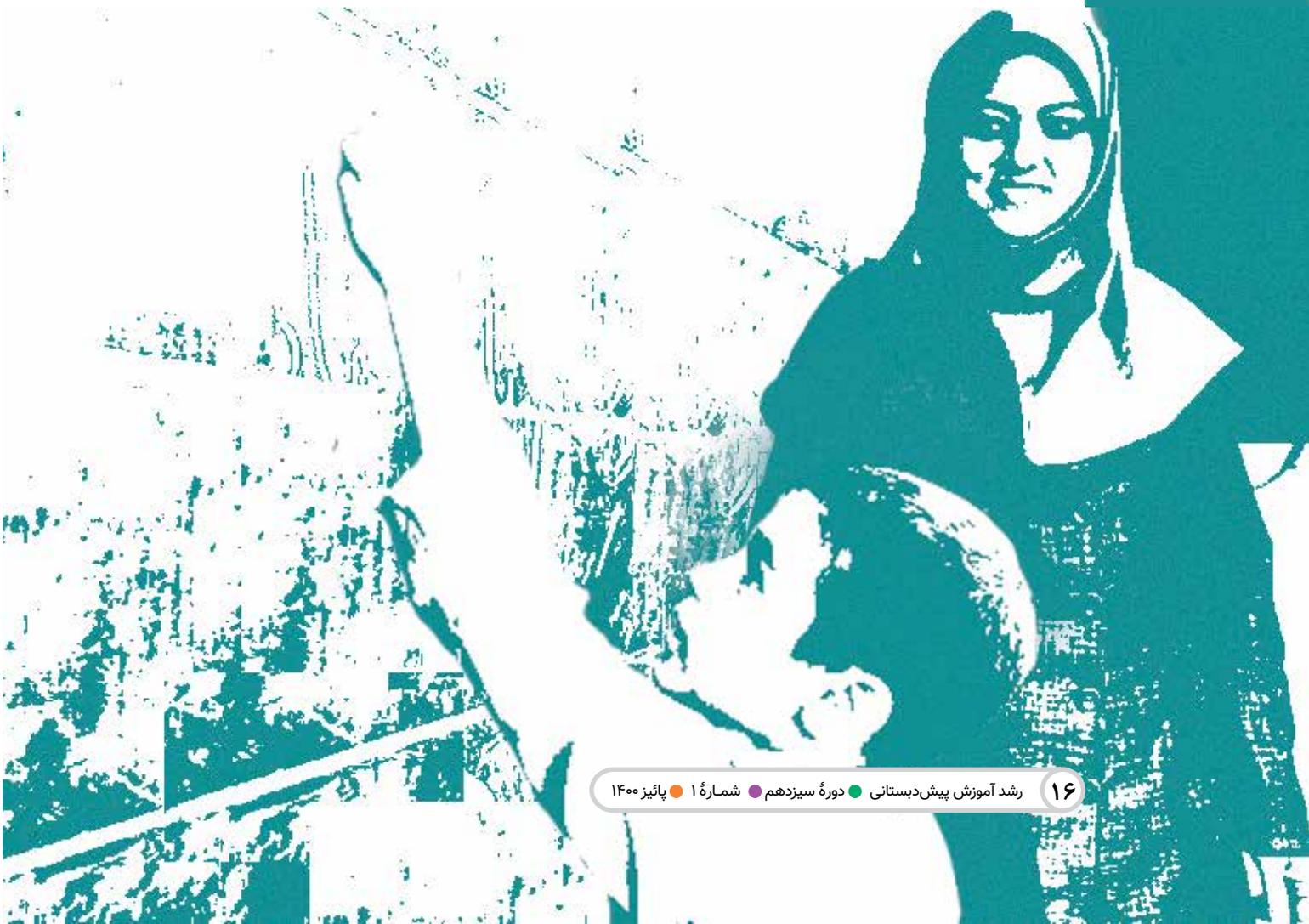
منابع

۱. جبار باغچه‌بان؛ صفیه میربابایی (۱۳۸۹). روشنگران تاریکی؛ خودنوشت‌های جبار باغچه‌بان و همسرش. مؤسسه فرهنگی، هنری، پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان. تهران.
۲. ابراهیمی، امیرعباس (۱۳۸۶). الف. گذری دوباره بر زندگی و آثار باغچه‌بان. مجله تعلیم‌وتربیت استثنایی. شماره‌های ۷۰ و ۷۱، مهر و آبان.
۳. ابراهیمی، امیرعباس (۱۳۸۶). ب. گذری دوباره بر زندگی و آثار باغچه‌بان. تعلیم‌وتربیت استثنایی. شماره ۷۲. آذر.
۴. باغچه‌بان، جبار (۱۳۵۶). زندگی‌نامه جبار باغچه‌بان، بنیان‌گذار آموزش ناشنوایان در ایران، به قلم خودش. چاپ ارژنگ. تهران.

اولین تجربه من

شهرام امامقلی - صبریه یوسفی
اعضای کمیته تولید محتوای استان کردستان

هنوز صدای دل‌نشین مادرم در گوشم می‌پیچد که با لحن دل‌نشینی می‌گفت: «روپوست را روی پشتی کنار طاقچه گذاشته‌ام تا چروک نشود. دکمه‌هایت را درست ببند.»
عادت همیشگی‌اش بود ما را مرتب روانه بیرون از خانه کند.
با اینکه می‌دانست اگر قرار است خودم لباس‌هایم را بپوشم، شاید کمی دیرتر آماده شوم، اما ترجیح می‌داد خودم کارهایم را انجام دهم. با کمی تلف کردن وقت، لباس‌هایم را می‌پوشیدم. همیشه بستن دکمه‌ها برایم



سنگینی می‌کرد. هنوز گرمی دستان نوازشگر پدرم را که گاهی اوقات به کمک می‌آمد تا بستن دکمه را برایم لذت بخش کند، حس می‌کنم.

مدرسه من دو کوچه بالاتر از فروشگاه تعاونی بود که پدرم در آنجا کار می‌کرد و من هر روز مسافتی را تا رسیدن به مدرسه، با پدرم طی می‌کردم؛ مسافتی که پر بود از شور و شوق کودکی. چه لذتی داشت راه رفتن روی لبه‌های جدول کنار خیابان، و لی‌لی‌بازی کردن‌هایم چه دلگرم کننده بود وقتی پدرم را کنار خودم می‌دیدم!

بیشتر اوقات من جلوتر از او حرکت می‌کردم و چشم‌هایم عادت داشت نیم‌نگاهی به عقب داشته باشم تا خیالم راحت باشد که او همیشه هست.

هنوز غرق رویاهای کودکانه‌ام بودم که صدای راننده را شنیدم. انگار می‌خواست مرا از گذشته برهاند. تن صدایش را بلندتر کرد و گفت: «رسیدیم خانم، از اینجا به بعد را باید خودتان پیاده بروید.»

هنوز به مسیر و آدم‌های این روستای زیبا آشنا نبودم. قرار بود در اینجا نقش یک مربی پیش‌دستانی را داشته باشم.

رقص زیبایی پرچم را از دور می‌دیدم که باد پاییزی آن را به نمایش درآورده بود. صدای هیاهوی بچه‌ها هم از دور نوازشگر گوش‌هایم بود.

حدس زدم باید به آن طرف راهی شوم. حدسم درست بود. بعد از گذشتن از میان چند کوچه با شیب تند، کمی جلوتر تابلوی سردر مدرسه را دیدم؛ با نگاهی پر از هیجان و دلی پر از توکل به خدای وارد حیاط مدرسه شدم.

حیاط خاکی و بزرگی ساختمان مدرسه را احاطه کرده بود با چند درخت و منبعی که چند شیر آب روی آن وصل بود و بیشتر شبیه آب‌خوری بودند. این‌ها بیشترین چیزهایی بودند که در حیاط مدرسه خودنمایی می‌کردند.

راهم را به سمت ساختمان مدرسه ادامه دادم. راهرو امتداد گام‌های من شد و بازی تاریکی و روشنائی. چشم‌هایم کمی اذیت شدند. با راهنمایی سردر اتاق‌ها، خودم را جلوی در دفتر مدرسه دیدم.

وارد اتاق شدم. بعد از معرفی خودم، آقای با متانت خاص معلم‌ان به من خوشامد گفت و بعد از چند دقیقه گفت‌وگو مرا به سمت کلاس پیش‌دستانی مدرسه راهنمایی کرد.

راهی آن کلاس شدم. در این چند قدم هزار بار حرف‌هایی را با خود مرور کردم. جلوی در رسیدم. باز بود. در زدم و وارد کلاس شدم. به سمت صندلی و میز جلوی کلاس راهی شدم. بچه‌هایی با صورت‌های آفتاب‌خورده و با لباس‌های زیبای محلی، بیشترین یادگاری است که در ذهنم مانده است.

در چهره‌های معصوم و خندان آن‌ها نگاه‌های پر از تعجب و ابهام را حس می‌کردم، چون می‌دانستم وجودم برایشان ناآشناست. در ذهنم که آن‌ها را شمردم، ۱۵ نفر بودند؛ ۹ پسر و ۶ دختر.

یاد حرف استاد افتادم که می‌گفت: «برای ورود به دنیای کودکان باید اعتماد آن‌ها را به دست آورد.»

در آن لحظه با خودم عهد بستم وجود تک‌تک این فرزندان سرزمینم را با محبت و صداقت متبرک کنم تا باور کنند آن‌ها هم می‌توانند سرزمینشان را بسازند.

با گفتن بسم‌الله شروع به معرفی خودم کردم. با صدای پر از لرزش و نگرانی شروع به تعریف داستانی کردم؛ داستانی با موضوع ورود دختری به مدرسه؛ خاطره اولین روز مدرسه خودم.

داستان را با فن‌های قصه‌گویی که بلد بودم تعریف کردم. کم‌کم حس

کردم بچه‌های کلاس احساس غریبگی نمی‌کنند. از سکوت‌هایشان، حرف‌دانشان، خنده‌هایشان و نگاه‌های قفل‌شده‌شان

حس کردم تأثیرگذار بودم. حس خوبی در درونم جاری شد. صدای زنگ فضای سکوت راهروی مدرسه را در هم نوردید. بچه‌ها پرسیدند اجازه هست ما هم به حیاط برویم؟

بعد از وقفه و استراحتی کوتاه به کلاس برگشتیم. گفتیم: حالا نوبت بازی است. از قانون بازی گفتیم. قرار بر این بود که من چشم‌هایم را ببندم و دنبال صدای آن‌ها بروم و هر کسی را که گرفتم، چشم‌هایم را باز کنم و او خودش را به من معرفی کند.

صندلی‌ها را به دیوار کلاس چسباندیم و زمین بازی درست کردیم. صدای خنده‌های بچه‌ها بلند بود و پیدا کردن‌ها و گفتن نام خودشان، اولین بازی من با بچه‌های با استعداد سرزمینم بود. از آن سال به بعد، این اولین بازی من با نوآموزان کلاس بود.

کم‌کم با هم انس گرفتیم. حس غریبگی وجودشان مثل مه صبحگاهی محو می‌شد. می‌خواستیم به آن‌ها اطمینان دهم که برایشان شادی‌ها می‌آفرینم.

غرق در بازی کردن با بچه‌ها بودم؛ انگار معجزه‌ای به نام زمان ما را محصور نکرده بود؛ یکباره نگاهم به ساعت کلاس افتاد. فهمیدم زمان حضور بچه‌ها رو به پایان است. پس به آن‌ها گفتم خودتان را آماده رفتن به منزل کنید.

گفتم فردا هر کدام برای خودتان یک روپوش بیاورید.

مادرها که آمدند، یک به یک بچه‌ها را تحویلشان دادم. خودم را به آن‌ها هم معرفی کردم؛ مادر بزرگ‌ها و مادرانی که هر کدام کوهی از عشق، ایثار و تجربه را می‌شد در نگاهشان فهمید. با خوشامدگویی والدین و نگاه‌های پر معنای بچه‌ها، بعد از چند دقیقه حرف‌زدن، از یکدیگر جداحافظی کردیم.

اولین روز مربیگری چه شیرین گذشت! با کودکانی سرشار از امید و آرزو. نگاهی به اطراف کلاس انداختم. کلاس خالی بود و سکوت آن خودنمایی می‌کرد. با خودم گفتم؛ وجود این فرشته‌ها چه امانت بزرگی بر دوشم گذاشته است! باید آن‌ها را به فطرت پاک الهی هدایت کنم.

روز بعد، سلام و احوال‌پرسی تمام نشده بود که همه با تعجب به کیسه‌ای که در دستم بود، نگاه می‌کردند. گفتم؛ بچه‌ها حدس می‌زنید چه چیزی در این کیسه هست؟

هر کدام چیزی گفتند: آرد، خاک، جایزه، کتاب و ... گفتم؛ دوست دارید آن را لمس کنید؟ محمد کیسه را با دستش فشار داد و گفت چقدر نرمه؛ درست مثل آرد!

جالب اینجاست بود که بقیه حدس محمد را جواب می‌دادند. تا اینکه نارین، که قیافه ریزتری داشت، از بین بچه‌ها خودش را بیرون کشید و گفت: نه، مثل خاک نرم ...

بچه‌ها بعد از بو کردن کیسه، گوش دادن به صدایی که از داخل کیسه می‌آمد و هدایت من، به این نتیجه رسیدند که این گل است.

من گفتم؛ درست حدس زدید. وقتی گل را دیدند، شروع به تبادل تجربه کردند. هر کدام حرفی برای گفتن داشتند. گفتیم: حالا روپوش‌هایتان را بپوشید تا با این گل آنچه را دوست دارید، بسازید.

همه با شوق گل بازی مشغول پوشیدن روپوش خود شدند؛ روپوش‌هایی که در ذهن هر کدامشان طرح و رنگی جداگانه داشت.

روپوش نارین مشمع پلاستیکی قرمزرنگی با طرح‌های ریز بود که به گفته خودش، هر وقت مادرش می‌خواست شروع به بافتن تاروپودهای قالی کند، آن را روی پایش می‌اندازد تا پرزهای قالی بافته‌شده روی زمین نیفتند. کمی آن طرف‌تر هژیر نایلون نازکی را از گردن تا پایین روی خودش کشیده بود. جالب‌تر اینکه سروش در پشت سرش مشغول گره‌زدن این نایلون بود.

سوژین با دیدن روپوش هژیر دست‌های کوچکش را جلوی دهانش گذاشت. انگار می‌خواست خنده کودکانه‌اش را پنهان کند! به آرامی گفت: انگار می‌خواهد موهایش را کوتاه کند.

هژیر هم با دیدن سوژین، با حالتی حق‌به‌جانب گفت: «پدرم هر وقت می‌خواهد موهایم را کوتاه کند، این را روی لباس‌هایم می‌اندازد تا موها روی لباسم نریزد».

آردین هم که مظلومیت در چهره‌اش نمایان بود، ساکت و آرام بچه‌ها را نظاره می‌کرد؛ مثل اینکه یادش رفته بود با خودش روپوش بیاورد!

هیژا کیسه مشکی به‌دست به‌طرفم آمد و خواست گره کیسه‌اش را باز کنم. پیراهن مردانه‌ای را از کیسه بیرون آورد و مشغول پوشیدنش شد؛ پیراهنی با دکمه‌های ریز که از قد و قواره هیژا بزرگ‌تر بود. یاد پیراهن پدرم افتادم؛ آبی با خط‌های طوسی. مثل اینکه هیژا پیراهن پدرش را با خودش آورده بود! درست حدس زده بودم. پدر هیژا هر وقت می‌خواهد برای چیدن انارها به باغ برود، پیراهنی کهنه را با خود می‌برد تا از آن به‌عنوان روپوش استفاده کند؛ پیراهنی با آستین‌های بلند که دست‌های هیژا را پوشانده بود.

سراغش رفتم تا در تا کردن آستین‌ها کمکش کنم.

آردین انگار می‌خواست جنب و جوشی به خود بدهد، گفت: من هم دکمه‌هایش را برایت می‌بندم.

آریا را مسئول تقسیم گل بین نوآموزان کردم. چه عدالت جالبی برقرار کرده بود؛ پاک‌بودنشان به من رخ نشان می‌داد.

آن روز با روپوش‌های متنوع، بازی با مفاهیم کلاسی تمام شد، اما شب، روپوش ذهنم را درگیر کرد. فکر کردم با این روپوش‌ها می‌توان چه مفاهیم بسیاری را به بچه‌ها آموزش داد:

- مفاهیم حوزه ریاضی: بزرگ - کوچک / کوتاه - بلند / اندازه‌ها / باز - بسته / شمارش / تفاوت‌ها و شباهت‌ها؛
- مفاهیم حوزه علوم: جنس / بهداشت / گرما و سرما؛
- مفاهیم حوزه اجتماعی: همدلی / همکاری / هویت‌بخشی؛
- مفاهیم حوزه هنر: رنگ‌ها و ترکیب آن‌ها / شکل‌های هندسی / دست‌ورزی.

و این اولین درسی بود که من از بچه‌های کلاسم آموختم، بچه‌های سرزمینم، ممنونم که ایده‌های شما به من درس داد.

تصمیم گرفتم این روپوش را به‌عنوان روپوش کلاس انتخاب کنم. امروز سال‌ها از این تجربه می‌گذرد و من هر روز چیزهای تازه‌ای از نوآموزان کلاس یاد می‌گیرم.

از آن روز، گوشه کلاس ما مختص آویزان کردن پیراهن‌های پدرانی شد که هم‌قد کودکان نصب شده بودند تا حرمت این پیراهن‌ها که با پوشیدنشان بچه‌ها پر می‌شدند از وجود پدر، حفظ شود.



سر آغازی مطمئن

مریم پورسلطانی
کارشناس ارشد مدیریت دولتی

اشاره

«سرآغاز مطمئن» در اصل راهنمایی است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای والدین و مربیان باشد. هدف سرآغاز مطمئن پرکردن خلأی است که در برنامه‌های مربوط به آموزش کودکان دارای نیاز ویژه به چشم می‌خورد. ما اعتقاد داریم، اگر اصول کار با این کودکان فهمیده شوند، والدین و مربیان توان می‌یابند یادگیری را منطبق با موقعیت‌ها و زمینه‌های متفاوت به کار برند.

سرآغازی مطمئن

آموزش و پرورش یکی از بزرگ‌ترین، پیچیده‌ترین و مهم‌ترین نظام‌های اجتماعی است و نظام آموزشی به‌عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در زمینه شکوفایی در جامعه نقش اصلی را بر عهده دارد. در این اثنا، در جوامع گوناگون، آموزش و پرورش پیش از دبستان به دلیل تأثیرات شگرف در شکل‌دهی موفقیت‌های تحصیلی کودکان در دوره‌های بالاتر، تقویت و تسریع رشد همه‌جانبه کودک و ارتقای کارایی درونی نظام‌های آموزشی، از جایگاه بسیار ارزشمند و ویژه‌ای برخوردار است.

دوران کودکی اگر چه دوران کوتاهی است، اما در رشد و تکوین شخصیت کودک تأثیر عمیقی دارد. دانشمندان و متفکران تعلیم و تربیت از دیرباز تاکنون بر شروع آموزش کودکان از بدو تولد و از دامن مادر تأکید داشته‌اند. علاوه بر آن، امروزه دانشمندان دریافته‌اند که دوران خردسالی دوران حساس رشد و تکامل مغز است. سلول‌های مغزی در سه سال اول زندگی رشد می‌کنند و تکامل می‌یابند و ارتباط میان سلول‌های مغز در این سنین شکل می‌گیرد. در این میان آموزش، پرورش و توان‌بخشی کودکان دارای نیازهای ویژه، در این دوران طلایی، از اهمیتی حیاتی برخوردار است. امروزه، نیاز به تشخیص به‌موقع کودکان در معرض خطر به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است. بر اساس آمارهای بین‌المللی^۱، ۱۰ تا ۱۵ درصد کودکان هنگام تولد به نقص‌های جسمی و حسی، یا ناتوانی‌های رشدی مبتلا هستند. با استفاده از آزمون‌های غربالگری می‌توان این کودکان را به‌موقع تشخیص داد و از بروز یا تشدید معلولیت آن‌ها پیشگیری کرد.

از جمله مشکلاتی که از دیرباز در نظام آموزش و پرورش کشور مشهود بوده، به هدررفتن سرمایه‌های مادی و معنوی به سبب ضعف در شناسایی کودکانی است که به آموزش ویژه نیاز دارند. شناسایی به‌موقع کودکان و جای‌دهی صحیح و حمایت از آنان در نظام آموزش و پرورش می‌تواند از به هدررفتن میلیاردها ریال بودجه جلوگیری کند.

به‌منظور تحقق این امر مهم، در وهله اول توجه به احساسات والدین، کمک به آنان طی دوران بحرانی مواجهه با واقعیت، و نیز ایجاد شناخت، پذیرش و نگرش واقع‌گرایانه نسبت به معلولیت کودک خود از طریق ارائه مشاوره لازم، ضروری است. سپس با توجه به اینکه در این مرحله آموزش کودک عمدتاً از طریق والدین انجام می‌شود، شیوه‌های تعامل با کودک دارای نیازهای ویژه باید طی برنامه آموزشی نظام‌دار به والدین و مربیان آن‌ها آموزش داده شود.

رعایت بهداشت روانی این خانواده‌ها با تنظیم و تدوین برنامه‌ای جامع می‌تواند فرصتی را برای والدین فراهم آورد تا بتوانند تفاوت‌های فرزند خود را با کودکان دیگر بپذیرند.

سرآغاز مطمئن با افزایش آمادگی تحصیلی کودکان خردسال دارای نیازهای ویژه در مراکز پیش‌دبستانی از همان ابتدای کار تحقق می‌یابد.

مداخله / آموزش به‌هنگام

فرضیه اصلی سرآغاز مطمئن که یکی از ضروری‌ترین راهنمایی‌های آموزشی محسوب می‌شود، این است که مداخله / آموزش به‌هنگام می‌تواند مانع شکست تحصیلی و مشکلات رشدی مرتبط شود؛ می‌تواند پایه‌ای برای دیگر برنامه‌های آموزشی اوایل کودکی به‌منظور کمک به کودکان در معرض خطر باشد.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها

First Step (Screening Test For Evaluating Miller Lucy (۱۹۹۳)، P
۱۰. Preschoolers), San Antonio: Harcourt Brace and Company.



گر صبر کنی

به بچه صبر آموزی



فاطمه کارگر

کارشناس ارشد علوم تربیتی

سیامک طهماسبی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران



تاب آوری

اشاره

متین پنج‌ساله است. امروز از مادرش خواست به حیاط بروند و با هم توپ‌بازی کنند. مادرش گفت الآن هوا خیلی گرم است. بعد از ظهر به حیاط می‌رویم. متین شروع به نق‌ونوق و گریه کرد. نگین شش‌ساله است. مادر نگین در آشپزخانه در حال شستن ظرف بود. نگین از مادرش خواست ظرف شکلات را به او بدهد. مادر نگین به او گفت باید صبر کند تا کارش تمام شود، اما نگین شروع کرد به گریه کردن و داد و فریاد زدن. مادر نگین مجبور شد دست از کار بکشد و خواسته نگین را اجابت کند.

آیا شما تا به حال با کودکان به این دست مشکلات برخورداید؟

می‌آوریم. کودکان نیز همین گونه‌اند.

منظور ما از صبر و خویشتن‌داری، روندی است که طی آن، کودک از انجام آنچه موجب خشنودی‌اش می‌شود امتناع می‌ورزد یا آن را به تأخیر می‌اندازد. صبر در واقع یک مهارت است. بنابراین، درست مثل هر مهارت دیگر، نیاز به تمرین دارد. کودکان صبور به دنیا نمی‌آیند، اما با گذشت زمان یاد می‌گیرند خواسته‌های خود را به تعویق بیندازند.

اصطلاح صبر و خویشتن‌داری به معنای آن است که کودک به تسلط درونی بر رفتارش بپردازد. در درجه اول باید اعمالی را یاد بگیرد و از بیرون حمایت، تشویق و تقویت شود.

تعریف صبر

توانایی پیروی از دستور، به تعادل رساندن رفتار مطابق با موقعیت و به تأخیر انداختن یک خواسته یا یک کار و به‌طور کلی رفتار، در چارچوب قابل قبول اجتماعی، و بدون دخالت و هدایت مستقیم دیگران را صبر می‌گویند.

مقدمه

شکیبایی به مفهوم تلاش برای یافتن خوبی در همه افراد است. بی‌قراری از ناامنی و نبود اطمینان می‌آید. ما بی‌قراری می‌کنیم، چون چیزی را همین الآن می‌خواهیم و باور نداریم که با صبوری آن را به دست

سن مناسب برای آموزش صبر به کودکان

چند تکنیک کاربردی

۱. با روش ایفای نقش، کم‌محلی یا نادیده گرفتن را به کودک خود بیاموزید.
نمایشی بازی می‌کنیم که در آن کودکی کودک دیگری را هل می‌دهد. کودک دوم باید بتواند به کسی که هلش داده است بی‌توجهی کند.
۲. مسابقه‌ای طراحی می‌کنیم. در آن دوبه‌دو به هم نگاه می‌کنیم و قرار می‌گذاریم بتوانیم خنده خود را کنترل کنیم؛ حتی اگر طرف مقابل شکلک و ادا درآورد.
۳. تمرکز نگاه را تمرین می‌کنیم. یک بازی طراحی می‌کنیم که در آن کودکان به یکدیگر نگاه می‌کنند، ولی نباید پلک بزنند و چشمانشان هم نباید حرکت کند.
۴. زو بازی می‌کنیم. در این بازی از کودک می‌خواهیم بدون توقف و یک نفس حرف زو را بکشد و تا دیوار جلویی برود و برگردد و نفسش را قطع نکند.
۵. قبل از خوردن غذا یا خوراکی، از کودک بخواهید به مدت ۱۵ تا ۳۰ ثانیه به غذا دست نزنند و ضمن حرکت نکردن، دعا کند یا جملاتی را مانند بسم‌الله الرحمن الرحیم یا شعر بگوید.
۶. یک بازی پر تحرک همراه با موسیقی راه بیندازید. هر یک دقیقه یک‌بار، موسیقی را متوقف کنید و از کودک بخواهید بدون تحرک و کلام سر جای خود بایستد.

توصیه

۱. برای انجام دادن وظایفی که در خانه بر عهده کودک گذاشته‌اید، مثل جمع کردن اسباب‌بازی‌ها، صبور باشید و خود به این کار اقدام نکنید تا کودک عادت کند بعضی از کارها لذت‌بخش نیستند و سختی دارند. برای انجام این کارها برای او زمان تعیین کنید و بر کار او نظارت داشته باشید. در انتها او را تحسین کنید.
۲. اگر طفل به زمین افتاد و دستش را برید، به جای وحشت‌زدگی، خونسردی خود را حفظ کنید. به کودک فرصت دهید کمی درد را تحمل کند.
۳. اگر برای کودک مشکلی پیش آمد، با دقت تمام به حرف‌هایش گوش کنید. تحمل مشکلات همراه با درددل کردن برای پدر و مادری که واقعاً به حرف کودک گوش می‌دهند، آسان‌تر است.
۴. گاهی محروم کردن به موقع به سبب انجام ندادن وظیفه، مانند نخردن اسباب‌بازی مورد علاقه یا مانع تماشای کارتون شدن، به بلوغ و پختگی شخصیت کودک و بالا رفتن آستانه تحمل و مسئولیت‌پذیر شدنش می‌انجامد.
۵. برای کودکان داستان‌هایی نقل کنید از شخصیت‌هایی که با صبر و تحمل و گذشت به اهداف خود رسیده‌اند.
۶. صبوری را تشویق کنید.
۷. صبر و شکیبایی نوعی مهارت است، اما باید به‌طور مداوم آن را تقویت کنیم. تقویت کلامی برای بچه‌ها بسیار مناسب است. شما باید به کودکان بگویید متوجه صبر آن‌ها شده‌اید و صبر آن‌ها شما را تحت تأثیر قرار داده‌است.
۸. مفهوم زمان و اندازه‌گیری مفهوم جدیدی است و کودکان کوچک‌تر معمولاً برایشان دشوار است آن را درک کنند. به بچه‌ها نمونه‌های بصری صبر را بدهید. مثلاً نگاه کردن به ساعت شنی یا ساعت می‌تواند به کودکان بیاموزد که ۵ دقیقه و ۴۵ دقیقه با هم فرق دارند.

نوزادی: در ۱۴ ماه اول زندگی باید خواسته‌های بچه‌ها بلافاصله رفع شود تا آن‌ها به اطمینان و احساس امنیت لازم برسند.

دوسالگی: تا دوسالگی، خواسته‌های کودک باید تا جای ممکن زود رفع شود. در این سن کودک را در مواردی می‌توان بین چند ثانیه تا یک دقیقه هم منتظر گذاشت.

دو تا شش سالگی: بین دو تا شش سالگی باید صبر را به کودک آموخت. هر وقت کودک چیزی خواست، باید برآورده کردن خواسته او را کمی به تعویق بیندازیم، ولی مدت زمان صبر خیلی مهم است. یک تا دو دقیقه برای هر سال در نظر می‌گیریم. مثلاً برای کودک سه‌ساله بین سه تا پنج دقیقه صبر و برای کودک چهارساله بین چهار تا هفت دقیقه خوب است. چند مثال در این باره می‌آوریم.

سه‌سالگی

کودک: «مامان، من موز می‌خوام.»
مادر: «عزیزم، الان دارم ظرف‌ها را می‌شویم. چشم. صبر کن دست‌هایم را بشویم و بعد یک موز خوشمزه به تو بدهم.»
و این کار بهتر است سه تا پنج دقیقه طول بکشد.

چهارسالگی

کودک: «مامان، می‌آیی برابم قصه بگویی؟»
مادر: «باشه عزیزم، فقط کمی صبر کن. الان بنشین کارتونت را ببین. تمام که شد، می‌آیم و برایت قصه می‌گویم.» (چهار تا هفت دقیقه).

پنج‌سالگی

کودک: «مامان، می‌آیی با هم بازی کنیم؟»
مادر: «باشه عزیزم، ولی الان من دارم ناهار درست می‌کنم. صبر کن وقتی عقره بزرگ به این نقطه رسید، صدایم بزن تا با هم بازی کنیم.» (هشت تا ده دقیقه).

آموزش راهکار

اصولی که باید به آن‌ها پایبند باشید:

۱. ما الگوی کودکان خود هستیم. باید سعی کنیم در رفتار و کردارمان صبوری به خرج دهیم و واکنش‌های سریع و بدون فکر نداشته باشیم.
۲. وقتی کودک نمی‌تواند خودش را کنترل کند، تلاش کنید به جای ابراز عصبانیت یا غرولند کردن، قاطعانه درباره نقش او در ایجاد ناراحتی دیگران صحبت کنید و پیامد رفتارش را به او تذکر دهید.
۳. مفاهیم «یا»، «نه»، «اگر» و «ممکن است» را به کودکان بیاموزید.
۴. وقتی کودکان کار قابل تعریفی می‌کنند، از ته دل از او تعریف کنید و به کارش اشتیاق نشان دهید. این کار را به مدت ۲۱ روز انجام دهید. زیرا سه هفته طول می‌کشد تا تصویر جدیدی در ذهن کودک شکل بگیرد.

نتیجه‌گیری

با افزایش بردباری، کودکان می‌آموزند که تعصب، کوتاه‌فکری، نگرش‌های کلیشه‌ای و نفرت را طرد کنند، برای شخصیت و نگرش انسان‌ها احترام قائل شوند و بر تفاوت‌ها متمرکز نباشند. کودکان بردبار این توان را دارند که حتی اگر با دیدگاه‌ها یا باورهای کسی مخالف‌اند، به او احترام بگذارند. به علت همین توان، بی‌رحمی، تعصب و نژادپرستی را کمتر تحمل می‌کنند. این کودکان در نهایت به بزرگ‌سالانی تبدیل می‌شوند که راه‌هایی برای انسانی‌تر کردن جهانمان می‌یابند.

کودکانی که صبر را یاد گرفته‌اند:

در انجام تکالیف خود پشتکار بیشتری دارند؛ تفاوت‌های دیگران را بهتر می‌پذیرند؛ هیجان خود را مدیریت می‌کنند؛ خود را دوست دارند؛ از تلاش‌های فردی خود احساس رضایت دارند؛ مثبت‌نگر و مثبت‌اندیش هستند؛ الگوی مثبتی برای کودکان دیگر هستند؛

مسئولیت‌پذیرتر هستند؛ تعارض‌هایشان را به شکل مثبت مدیریت می‌کنند؛ ارتباط مؤثری با اطرافیان خود دارند.

زمانی که کودکان رابطه بین افکار، احساسات و رفتار آدمی را درک کنند و دریابند که عصبانیت، شادی، غم و اندوه، همگی بازتاب عواطف انسانی هستند، مسلماً نسبت به واکنش‌های رفتاری خود نیز حساس‌تر و هشیارتر خواهند شد.

منابع

۱. جان‌بزرگی، مسعود؛ نوری، ناهید؛ آگاه هریس، مژگان (۱۳۹۳). آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان. انتشارات ارجمند. تهران.
۲. موسی‌زاده، زهره؛ دارویی حقیقی، صبا؛ بی‌شک، بهروز (۱۳۹۶). تاب‌آوری. انتشارات آکادمیک دانشگاه علوم پزشکی کاشان. کاشان.
۳. سلحشور، ماندانا (۱۳۸۷). کودک و خانواده. انتشارات انجمن اولیا و مربیان. تهران.
۴. کلی، جفری (۱۳۸۸). والدین و بدرفتاری کودکان. ترجمه مینا ملکی معیری. نشر اختران. تهران.
۵. دهستانی، منصور (۱۳۹۲). مهارت‌های زندگی ۱. نشر میم. قم.
۶. پنتلی، الیزابت (۱۳۸۷). راهنمای کامل تربیت کودک. ترجمه اکرم قیطاسی. انتشارات کتاب‌های دانه. تهران.
۷. بریا، میشل (۱۳۸۹). کلیدهای پرورش رفتار و ارزش‌های اخلاقی در کودکان و نوجوانان. ترجمه فرود فرناز. انتشارات کتاب‌های دانه. تهران.

پدرها، لطفاً به خانواده‌ها برگردید!

خانواده

روح الله رحیمی
مشاور خانواده

هیچ کسی، حتی مادر، قادر به ایفای نقش پدر نیست. اعضای خانواده به پدر، مهر او، قاطعیتش، دلسوزی‌اش، دست‌های مهربانش، مدیریتش و سایر صفات منحصر به فردش نیاز دارند.

هرگاه با درمانجویانم از پدر سخن می‌گویم، بغضی گلویشان را و اشکی سرد پهنای صورتشان را می‌پوشاند. خیلی کوتاه اما پربار و مؤثر از پدر می‌گویند. همه از مظلومیت و تنهایی‌اش می‌گویند. دختران به‌ویژه، پدرشان را عاشقانه و صادقانه دوست دارند و هر وقت از او سخن می‌گویند، حسرتی در کلامشان پیدا و پنهان است. انگار ناگفته‌هایشان در مورد پدر بیشتر از گفته‌هایشان است!

این یک واقعیت است که در خانواده‌های ایرانی نقش پدر روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود. این کمرنگ‌شدن حضور پدر در خانواده را به‌خوبی می‌توان در پویانمایی‌ها، فیلم‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی نیز مشاهده کرد. خلاً حضور پدر آسیب‌های روانی و اجتماعی بسیاری را موجب شده است که جامعه ما به غلط علت آن را در چیزهای دیگری جست‌وجو می‌کند.

«معضل پدران کناررفته» در عصر کنونی و دهه اخیر آن قدر شدت یافته که در خانواده و جامعه به آسبایی مزمن تبدیل شده است. نقش مادر در خانه و خانواده بر هیچ کس پوشیده نیست و درباره آن در علوم رفتاری و اجتماعی صحبت شده، تا جایی که به هیچ موضوعی به اندازه رابطه مادر و کودک و نقش برجسته آن در خانواده و شکل‌گیری شخصیت اعضا پرداخته نشده است. اما در این علوم درباره پدر و نقش او در خانواده، تربیت فرزندان و شکل‌دهی شخصیت کودکان به‌طور جدی غفلت شده است. پدران کناررفته محصول عصری هستند که با تقسیم وظایف در خانواده، پدر در نقش عابریانک! قرار گرفت و تنها کارش تأمین هزینه‌های مالی خانواده شد. این حضور نداشتن جدی پدر در خانه و نقش کمرنگ وی در امور خانواده، به‌ویژه در تربیت فرزندان، در حال تبدیل شدن به چالشی اساسی در خانواده و جامعه در حال توسعه ماست. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، آسیب‌هایی روانی - اجتماعی مانند اعتیاد، فرار از خانه، خودکشی، افسردگی مزمن و افت تحصیلی کودکان و نوجوانان، در نبود یا حضور کمرنگ پدر در خانواده ریشه دارد. پدرها باید به خانواده برگردند و نقش بی‌بدیل خود را ایفا کنند.





چه کنیم؟ با کودک بد غذا

زهرا شعبان

درمانگر کودک و نوجوان

به کارهای آسانی مانند خوردن و تماشای تلویزیون روی می‌آورد. گروهی دیگر از کودکان پرخور نمی‌دانند چه موقع سیر می‌شوند. بنابراین، تا زمانی که سر سفره یا میز نشسته‌اند، به خوردن ادامه می‌دهند. همچنین، پرخوری زمانی روی می‌دهد که کودک از والدین خود دور می‌شود و با احساس آشفتگی می‌کند. کودک افسردگی یا اضطراب خود را با خوردن تسکین می‌دهد. کودکان چاق، به دلیل ظاهر خود، مورد انتقاد و تمسخر قرار می‌گیرند و به همین دلیل غالباً تصویر بدنی مخدوش و اعتمادبه‌نفس پایینی دارند.

همچنین، از آنجا که تغذیه یک عمل مراقبتی و مهرورزانه به‌شمار می‌آید، جو عاطفی حاکم بر فضای خوردن بسیار اهمیت پیدا می‌کند. برخی از کودکان که والدین پرمشغله‌ای دارند و زمان کمی برای بودن در کنار والدینشان دارند، از غذا خوردن به‌عنوان بهانه‌ای برای تسکین کمبود محبت یا جلب توجه والدین استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، برخی کودکان که به‌طور ذاتی به خوردن تمایل چندانی ندارند، از زمان غذا خوردن به‌عنوان فرصتی برای مقابله و نافرمانی از والدین استفاده می‌کنند. در این کودکان، زمان غذا خوردن به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل می‌شود و والدین برای جلب رضایت و همکاری، اول و عده و وعید می‌دهند و اگر راه به جایی نبرند، انواع شیوه‌های تنبیهی را به کار می‌برند. این شیوه‌ها به‌مرور مشکلات را پیچیده‌تر می‌کند.

راهکارهایی برای مقابله با بدغذایی کودکان

- هر چند راهکارهای مقابله با بدغذایی کودکان، بسته به علت‌های آن، بسیار گسترده است، در اینجا چند راهکار پیشنهاد می‌شود:
- از غذا به‌عنوان پاداش رفتارهای دیگر استفاده نکنید.
- یک برنامه غذایی تدوین کنید. برای تعیین میزان استفاده از هر ماده غذایی، به هرم غذایی توجه کنید. غذاهای کف هر م بیشترین مواد مورد نیاز بدن هستند.
- برنامه زمان‌داری برای غذا خوردن در نظر بگیرید. به‌ویژه به کودکانی که غریزه کمی برای خوردن دارند، اجازه دهید زمان‌های پر و خالی شدن معده را تشخیص دهند.
- به جای وعده‌های غذایی حجیم، تعداد وعده‌های غذایی را افزایش دهید. بهتر است برای خردسالان، علاوه بر سه وعده اصلی روزانه، یک میان‌وعده پیش از نهار و یک میان‌وعده عصرانه در نظر بگیرید.
- کودک را تشویق کنید چند لقمه از غذایی را که دوست ندارد بخورد، تا بتواند غذایی را که دوست دارد بخورد.

وقتی مهسا برای خوردن غذا بر سر سفره می‌آید، بدخلق است. با نزدیک شدن قاشق، دهانش را محکم می‌بندد و اگر مادرش به خوردن اصرار کند، شروع به پرت کردن وسایل سفره می‌کند. در نهایت بعد از کشمکش‌های طولانی، چند لقمه به‌صورت اتفاقی به دهانش وارد می‌شود و او بلافاصله فرار می‌کند. زمانی هم که مادر می‌خواهد غذای خودش را بخورد، غذا از دهن افتاده است و کم‌کم بقیه اعضای خانواده هم سفره را ترک می‌کنند. مادر گاهی برای راضی کردن او به غذا خوردن، تمام خانه را به دنبالش راه می‌رود. گاهی به او قول جایزه می‌دهد و گاهی از این رفتارش به سطوح می‌آید و دعوا می‌کند. مادر می‌گوید، غذا دادن به مهسا سخت‌ترین کار دنیاست.

کلیدواژه‌ها: بدغذایی، چاقی، تغذیه

معمولاً مشکل بدغذایی کودکان از زمانی آغاز می‌شود که آن‌ها به جای شیر، از غذای سفره تغذیه می‌کنند. بسیاری از کودکان اصرار دارند غذا را خودشان بخورند، درحالی‌که هنوز مهارت لازم برای بردن قاشق به دهانشان را ندارند و تحمل ریخت‌وپاش‌های غذا خوردنشان برای اغلب والدین دشوار است. غذا خوردن مستقل کودک یکی از چالش‌های بزرگ میان خودمختاری کودک و صبر والدین است. برخی از کودکان تنها به چند غذای محدود تمایل نشان می‌دهند. حدود یک‌سوم از کودکان خردسال زیر ده سال بسیار ایرادگیرند؛ البته این ایرادگیری در میان دختران شایع‌تر است. کمبود مواد غذایی رشد بهنجار کودک را به خطر می‌اندازد. این نکته در سنین پایین که رشد جسمی سرعت بالایی دارد، بسیار حائز اهمیت است. تولید ۵۰ تا ۷۰ درصد از هورمون رشد پس از شروع خواب عمیق در کودکان صورت می‌گیرد که می‌تواند دلیل هم‌زمانی وقوع اختلال خوردن و خوابیدن در کودکان را توجیه کند (مش، ۱۳۸۹).

علل بدغذایی

مشکلات غذا خوردن علل متفاوتی را در برمی‌گیرد. برخی از کودکان ممکن است در مکیدن و بلعیدن غذا دچار مشکل باشند و برای برخی دیگر از خردسالان، به دلیل بازگشت غذا به مری، غذا خوردن دردناک و ناخوشایند است. البته برخی از کودکان هم در غذا خوردن زیاده‌روی می‌کنند. سیستم عصبی این کودکان کم‌انگیزه است. آن‌ها به اندازه‌های پرخوری می‌کنند تا شکمشان را پر کنند. برخی از کودکان پرخور علاقه‌های محدودی دارند و



● زمانی که کودک میل به غذا خوردن ندارد و حدود ۲۰ دقیقه از آوردن غذا گذشته است، غذا را از جلوی او بردارید. اجازه ندهید زمان غذا خوردن به بازی کردن و جلب توجه منفی تبدیل شود.

● زمان صرف غذا را به فعالیتی دسته جمعی تبدیل کنید تا غذا خوردن برای اعضای خانواده به صورت زمانی بانشاط تبدیل شود. در حالی که غذا می خورید، در مورد روزی که گذرانده اید صحبت کنید و از غذا خوردن و با هم بودن لذت ببرید. گاهی کودکان برای این کار به کمک نیاز دارند. شما می توانید یک سهم زمانی برای صحبت هر کس تعیین کنید. مثلاً یک نمکدان زیبا بر سر میز بگذارید که هر کس نوبت صحبت کردن اوست، آن را در دست نگه دارد. شما می توانید کودک را ترغیب کنید در مورد موفقیت‌ها، رویدادهای جالب، اسباب‌بازی یا فیلم مورد علاقه‌اش، یا حتی مشکلاتی که در روز داشته صحبت کند. تلویزیون در زمان صرف غذا باید خاموش باشد تا حداکثر تعامل میان اعضای خانواده شکل گیرد.

● به مکان‌هایی بروید که مردم غذا می‌خورند و اوقات خوشی دارند. کودک را به مکان‌هایی مثل ساندویچی یا رستوران ببرید تا بچه‌های دیگر را ببیند که غذا می‌خورند و لذت می‌برند و شادند. برای کودکان بد غذا تجربه‌ای عالی است که یاد بگیرد چگونه غذا سفارش دهد و پول آن را پرداخت کند.

● مهارت‌های ظریف کودک را تقویت کنید تا خود بتواند غذا بخورد. از غذاهایی مثل پوره سیب‌زمینی شروع کنید که چسبندگی زیادی دارند و کودک تا حد زیادی به تنهایی از پس خوردن آن برمی‌آید.

● در نهایت با یک متخصص روان‌شناس در مورد مشکلات غذایی کودک صحبت کنید. او با بررسی تاریخچه طبی و خانوادگی می‌تواند در پیدا کردن علت بد غذایی کودک به شما کمک کند.

نتیجه‌گیری

تغذیه سالم و کافی در دوران کودکی بسیار حائز اهمیت است. در این سنین رشد جسمی کودک سرعت بالایی دارد و گاهی کمبود مواد غذایی صدمات جبران‌ناپذیری به رشد کودک وارد می‌آورد. بد غذایی در کودکان علل

متفاوتی دارد که علل پزشکی و عاطفی از مهم‌ترین آن‌هاست. با بررسی و حل این مشکلات، گام بلندی در سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کودک برداشته می‌شود.

منابع

۱. مش، اریک جی؛ وولف، دیوید (۱۳۸۹). روان‌شناسی مرضی کودک. ترجمه محمد مظفری مکی‌آبادی، اصغر فروع‌الدین عدل. انتشارات رشد. تهران.
۲. برگر، ریموند میلتن (۱۳۸۸). شیوه‌های تغییر رفتار. ترجمه علی فتحي آشتیانی. هادی عظیمی آشتیانی. انتشارات سمت. تهران.
۳. دوگانجی، جوجیا؛ کندل، آن (۱۳۹۳). با کودک بدقلق و ناآرام چه کنیم. ترجمه سولماز جوکار. یاسمن بانکی. انتشارات ارجمند. تهران.

ابزارهای شکوفایی کودک

● سارا دینی

مربی پیش دبستانی و پژوهشگر در حوزه کودک



انس با قرآن و عترت



کلیدواژه‌ها: حس و کلام، خصلت‌های ریشه‌ای، تربیت دینی کودک

اشاره

جا سرچشمه می‌گیرد. براساس فرمایشات مقام معظم رهبری، باید در کودک خصلت‌های ریشه‌ای به وجود آورد؛ از جمله: خردورزی و تفکر، روحیهٔ بردباری و کار جمعی، عشق به یادگیری و مطالعه، خودباوری، تن به کار دادن و همت بلند که ظهور آن در کودک، پرورش انسانی با

برای اینکه بتوان کودکی با شخصیت جامع برای آینده تربیت کرد باید دو توان مهم کودک یعنی حس و کلام را که برای برقراری ارتباط با دنیای اطراف از آن‌ها استفاده می‌کند، به گونه‌ای پرورش داد که خصلت‌های ریشه‌ای در او شکل بگیرند. بی‌شک تربیت دینی کودک نیز از همین

دیدنی همه‌جانبه خواهد بود و اگر با دین توأم باشد، انسانی بالنده را شاهد خواهیم بود.

حس و کلام

کودکان در هفت سال اول زندگی با دو توان مهم حس و کلام با دنیای اطراف ارتباط برقرار می‌کنند. همین دو خصلت شخصیت آن‌ها را شکل خواهند داد. کودکی که در مورد آنچه حس می‌کند تفکر می‌کند و تفکر او در محیطی پاک شکل می‌گیرد، بروزات کلامی او هم طیب خواهند بود.

خصلت‌های ریشه‌ای

یادگرفته‌هایی که کاربردی نیستند یا زود هنگام اتفاق می‌افتند و یا بدون تفکر پذیرفته می‌شوند، در سطح باقی می‌مانند. اطلاعاتی که در کتاب‌های درسی پیش از دبستان وجود دارند، به‌طور عمومی از همین نوع اطلاعات سطحی هستند و کودک بدون اینکه عمق مطالب را بفهمد، فقط اطلاعات بدون کاربرد را انباشته می‌کند. در مقام مثال، بسان چشمه‌ای که باریکه کوچکی را در مسیر ایجاد می‌کند، اما عمق ندارد و با تابش آفتاب سریع هم خشک می‌شود و با گذر زمان شکل خود را از دست می‌دهد و نتیجه‌ای حاصل نمی‌کند و به جایی وصل نمی‌شود. اما مهارت‌هایی که با تمرین و تکرار به دست می‌آیند ماندگاری بیشتری خواهند داشت.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری باید در کودکان خصلت‌های ریشه‌ای به‌وجود آورد. این سخن بدین معناست که این خصلت‌ها آموختنی صرف نیستند، بلکه ایجادکردنی هستند و بالطبع زمان‌بر است و به دوره‌ای دوساله ختم نمی‌شود. مواردی که مقام عظمای ولایت مطرح کردند، برای شکل‌گیری شخصیت، لزوماً دینی نیست، اما انسان‌پرور است. البته به‌زعم حقیر، اگر کودک با قرار گرفتن در کنار یک مربی متدین و آگاه و شاد این مسیر را ببیماید، فرمایشات مقام معظم رهبری از نظر دینی هم شکل می‌گیرد و مسلمانان با ابعاد وجودی مطلوب تولید خواهد شد. البته نه در طول یک سال، بلکه با برنامه‌ریزی و پیوسته بودن مطالب آموزشی از پیش دبستان و در امتداد آن دبستان تا دانشگاه مد نظر قرار می‌گیرند. این خصلت‌ها عبارت‌اند از:

۱. خردورزی؛ ۲. خودباوری؛ ۳. بردباری؛ ۴. روحیه همکاری؛ ۵. عادت به مطالعه؛ ۶. همت بلند (میزان انسانیت انسان به اندازه همت اوست)؛ ۷. امید به آینده؛ ۸. شوق به یادگیری؛ ۹. تن به کار دادن.

در اینجا پیشنهادهایی را برای به‌اجرا رساندن منویات رهبری مطرح می‌کنیم:

۱. استفاده از قصه

قصه‌ها و مثل‌ها ابعادی دارند که تفکر کودک را فعال می‌کنند و اگر پایان آن‌ها باز گذاشته شود، یا موقعیت‌های عینی روی صفحه ذهن کودک به چالش کشیده شوند، او حکمت‌های درون داستان را می‌فهمد. این همان خردورزی است. کودک از طریق هم‌ذات‌پنداری و پیدا کردن جواب، حلاوت تفکر را می‌چشد و شوق او به شنیدن داستان و مطالعه زیاد خواهد شد. همچنین، نیروی تفکر و تعقل پرورش خواهد یافت. البته یکی از راه‌های پرورش تعقل، شنیدن و فهمیدن حکمت‌های داستان و عوامل دیگری چون بازی و تجربه بازی‌های دیگر است. کودک از طریق قصه حتی ادب‌ورزی را هم یاد می‌گیرد. در زمان **ابن سینا** مکتب‌های ادب و قرآن وجود داشتند که کودکان تا ده‌سالگی در آن‌ها تحصیل می‌کردند و روش‌های ادب‌آموزی را از طریق قصه می‌آموختند و تلفیق آزادبودن در طبیعت با شنیدن حکمت‌ها و همراهی قرآن، دانشمندی چون ابن سینا را بار می‌آورد. البته قصه‌های کهن و فاخر مملو از اطلاعات طبیعی و ادبی هستند و برای پرورش ابعاد فکری کودک بسیار مؤثرند.

۲. شناخت احساسات

کودک احساساتی لطیف و ساده دارد؛ احساساتی که به‌راحتی بروز می‌دهد، اما از علت و چگونگی آن‌ها اطلاع ندارد. کودکی که بشناسد چرا شاد است یا چرا غمگین، یا چگونه از موقعیت عصبانیت دوری کند و بداند با ناکامی‌هایش چگونه برخورد کند، روحیه بردباری و حل مسئله در او ایجاد می‌شود. به این منظور کودک باید در موقعیت‌های چالش برانگیز قرار گیرد تا بتواند احساسات منفی خود را کنترل و برای آن‌ها راه حل پیدا کند؛ چه بسا در بازی‌های کودکانانه جمعی چنین موقعیت‌هایی پیش می‌آیند. در اینجا مربی ایفای نقش می‌کند و از شرایط پیش‌آمده برای نیل به هدف که شناخت احساسات و نحوه مواجهه با آن است، بهره می‌برد. البته به‌شرطی که خود مربی روحیه حل بحران داشته باشد.

۳. طبیعت و فطرت

اگر کودک با طبیعت ارتباط مؤثر داشته باشد و هر پدیده جالبی را عمیق در اندازه فهم خود بشکافد، از شوق یادگیری لبریز می‌شود. متأسفانه کودکان امروز از طبیعت فقط پارک را می‌شناسند و از سایر پدیده‌ها همان اطلاعات سطحی درون کتاب‌ها را می‌دانند. اگر کودک یاد بگیرد هر آنچه در طبیعت

وجود خودش و در اطرافش هست، چه کار کردی دارد و به صورت ملموس آن را درک کند، بر قدرت تفکر و تحلیل او افزوده می شود و از خالق هستی سپاسگزار می شود.

۴. حل مسئله

باید برای کودک بن بست‌های کوچک و موقعیت‌های چالش برانگیز مصنوعی ایجاد کرد تا بتواند آن‌ها را حل کند. با حل مسئله روحیه امید به آینده در او به وجود می آید، چرا که می تواند بفهمد هر گرهی به تلاش و کوشش بازشدنی است.

۵. طراحی ساخت و ساز

درست کردن کاردستی تنها بخشی از ساخت عملی است. می شود کارهایی تعریف کرد که ساخت آن‌ها گروهی باشد و چه بسا اتمام آن‌ها یک یا چند هفته طول بکشد. این یعنی تقویت صبر و بردباری عملی و کار کشیدن از بدن. بدنی که به کار کردن عادت کند، تنبلی به خود راه نمی دهد و به محض بی کاری، کاری برای خود خلق می کند. ساختن همراه هم بازی یکی از لذت بخش ترین کارهای کودکی است. کودکان در ساخت و ساز، مدیریت مواد، زمان و هم بازی هایشان را یاد می گیرند و با دیدن نتیجه تلاش جمعی، شوقی و صفناپذیر را تجربه می کنند.

همه موارد پیشنهادی برای تقویت حس و تجربه های مفید و عملی، به منظور تقویت حس و کلام و تفکر پشت کلام است که خود به خود مسئولیت پذیری را نیز در کودکان تقویت می کند. در واقع، صرفاً نباید به آموزش کلاسی و کتابی بسنده کرد و همه اطلاعات کودک را با کتاب‌ها و تصویرهای به هم وصل کن، ببر و یا رنگ کن، سنجید.

بحث آخر

پیش از این گفته شد، اگر مربی متدین و آگاه همراه کودک باشد، از هر فرصتی استفاده می کند تا جنبه دینی و خدایی به اعمال کودک بدهد. اما گاهی اطلاعاتی بیش از حد نیاز کودک به او داده می شود که نه تنها مفید نیستند، بلکه زائدند. در موضوع دین نباید پیش افتاد و نباید عقب افتاد؛ به خصوص در مورد کودک قطعاً باید تدریج را رعایت کرد و از کودک بیش از حد توان و فهم او انتظار نداشت. طبق فرمایش ائمه، تربیت دینی به عهده خانواده است و خانواده نقش اصلی را دارد. کودک در خانه و در مشکلات، می بیند پدر و مادر به خدا توسل می کنند و توکلشان به معبود است. یا نماز اول وقت و سایر شئون اسلامی را رعایت می کنند یا نه. مربی نقش مکمل را دارد. اگر مربی به عنوان مکمل تربیتی و الگوی بیرون

از خانه، با بلند شدن صدای اذان، صحنه بازی و فعالیت را ترک کند و خود را برای نماز مهیا کند، و اگر این سنت هر روزه مربی باشد، به صورت ناخود آگاه آموزش هم داده است؛ طوری که کودک اذان را آموخته، ارکان نماز را یاد گرفته و فرایند وضو را دیده است. یا اگر در بازی‌ها، به جای شمارش، از آیات سوره‌های کوچک قرآن استفاده شود، بدون اینکه کتابی برای قرائت باشد، انس با قرآن اتفاق افتاده است. اگر به مناسبت ولادت هر یک از ائمه، کارگاه جشن و شناختی برگزار شود که قسمت عمده آن بازی و شادی و شنیدن یک قصه از زندگی مولود آن روز و گرفتن هدیه باشد، با این کار به صورت غیر مستقیم حب اهل بیت در دل کودک ایجاد می شود. آینده معنوی او تحت تأثیر قرار می گیرد و خاطرات خوب روز عید همیشه برای او لذت بخش خواهد بود (هل الدین الا حب).

وقتی حب ایجاد شد، انگیزه برای یادگیری سایر مفاهیم دینی رشد می کند و یا اگر مطلبی دینی عرضه شد، با جان و دل پذیرا می شود. مرحوم آیت الله **حائری شیرازی** در تمثیلات خود فرموده اند: «حرفی که به کسی یا فرزندت می زنی، دانه است و فکر او زمین، بیسن در این زمین چقدر بذر می توان پاشید؟» اگر در یک متر زمین یک کیلو گندم پاشیدی، همه دانه‌ها سبز نمی شوند؛ تازه اگر هم در بیابان، همدیگر را خفه می کنند. موعظه زیاد باعث می شود حرف‌ها همدیگر را له کنند و بپوشانند.»

باید گفت، پنج و شش سالگی فقط یک سال از زندگی کودک است. سال‌های یادگیری طولانی هستند، اما اگر همه چیز به صورت تدریجی و نرم، در مغز کودک با آگاهی عملی انباشته شود و اندک باشد، بهتر از اطلاعات وسیع از همه چیز اما بی خاصیت است. یادگیری زیر سن هفت سال باید پویا و با زندگی فکری و عملی کودک عجین باشد و سواد کودک با تجربه توأم شود. حتی در سنین بالاتر هم باید چنین باشد.

پی نوشت‌ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری ۱۷/۲۰/۹۱

شاخص‌های

کیفیت خدمات

در

مهدهای کودک

ایران

● لیلا ولی‌زاده
دکترای مدیریت آموزشی



اشاره

هر کشوری در نظام آموزش و پرورش خود، رویکرد خاصی دارد. بر این اساس، قوانین و برنامه‌هایی را در حوزهٔ تعلیم و تربیت در پیش می‌گیرد و رویکردی را که به اهداف نزدیک‌تر است، انتخاب می‌کند. در کشور ما نیز قرآن مجید، پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمهٔ معصوم (ع) برای تعیین اهداف و شیوه‌های تربیت کودکان، منبع و تکیه‌گاه اصلی و والاترین الگوی تربیتی هستند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های مورد نظر در کیفیت خدمات مهدهای کودک نیز، توجه به آموزه‌های دینی و فرهنگی موجود در کشور است؛ آموزه‌هایی که بر بهره‌مندی از اخلاق و رفتارهای انسانی و ارزشی تأکید خاصی دارند. از طرف دیگر، وجود استانداردهای بهداشتی، آموزشی، مراقبتی و رفاهی در مهدهای کودک، برای رشد همه‌جانبهٔ کودکان نیز امری بدیهی است، لیکن کیفیت بالاتر از استاندارد برای مهدهای کودک بهتر است، چرا که استانداردها در واقع نشان‌دهندهٔ پایین‌ترین سطح مورد قبول هستند.

کلیدواژه‌ها: کیفیت خدمات، مهد کودک، کودک

در اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع این مطالعه نیز، دربارهٔ کیفیت خدمات مهدهای کودک ویژگی‌هایی ارائه شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
● وظیفهٔ مدیر مهد کودک این است که به جامعه اطمینان دهد کودکان را در رفاه و شرایط تخصصی و خدمات باکیفیت، مراقبت و تربیت خواهد کرد و ضمن برآوردن انتظارات همهٔ ذینفعان، خود نیز به‌عنوان مدیری اثربخش موفق می‌شود. در مستندات مذکور، اثربخشی بیانگر تحقق اهداف است. از اصطلاح اثربخشی به‌طور جایگزین برای اشاره به رشد^۱، سودآوری^۲ و بهره‌وری^۳ و رضایت کارکنان استفاده می‌شود. اثربخشی به محیط پیرامون،

عوامل داخلی و جنبه‌های انسانی و فیزیکی نیز توجه دارد.
● مهدهای کودک باید به استانداردهای ملی برای بهبود کیفیت، تخفیف شهریهٔ مراقبت از کودکان و آموزش آن‌ها، حمایت از خانواده‌ها، برنامه‌های تربیتی جدید، بهداشت و ایمنی کودکان، مدیریت بحران، سیستم رسیدگی مؤثر به شکایات خدمت‌گیرندگان و به موضوع بازنشستگی و بیمهٔ کارکنان، و جذب و حفظ مربیان کارآمد توجه ویژه داشته باشند؛ چرا که کیفیت برنامه‌های مراقبت از کودکان به‌طور عمده تحت تأثیر عملکرد مدیر و مربیان است. همچنین، منابع مالی، تجربه‌های غنی مدیر و مربیان، و فضای آرام محیط را از مهم‌ترین عوامل موفقیت و اثربخشی در اداره و ارائهٔ خدمات باکیفیت در مهدهای کودک معرفی می‌کنند.

● دولت‌ها نیز ضمن پرداختن به استانداردهای راه‌اندازی چنین مراکزی، توجه ویژه به نیازهای کودکان و والدین آن‌ها را در برنامه‌ریزی آموزشی مهدهای کودک ضروری اعلام می‌کنند و به تنظیم محیط برای افزایش یادگیری کودکان، منعطف‌بودن برنامه‌ها و تأکید بر کیفیت محتوای یادگیری، به اندازهٔ روش‌های ارائهٔ آن‌ها، به‌طور جدی و تخصصی نظارت می‌کنند.

روش مطالعه

برای شناسایی شاخص‌های کیفیت خدمات مهدهای کودک ایران، اطلاعات مورد نیاز از ادبیات نظری، اسناد و قوانین سایر کشورها و پژوهش‌های بین‌المللی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. لیکن به دلیل نبود الگوهای جامع و بومی در حیطهٔ مهدهای کودک، این نتیجه حاصل شد



موجبات شادی و بازی کودکان را که ذاتی کودک است، فراهم خواهد کرد. توجه به حقوق و رفاه مربیان نیز از دیگر شاخص‌های دارای اهمیت است. مهدکودکی که مربیان آن از امکانات رفاهی و حقوق در حد تأمین اجتماعی برخوردار نباشند، نمی‌توانند با انگیزه به آموزش و تربیت کودکان بپردازند. اگر مربی در دوره‌های بازآموزی شرکت نکند، به نوعی بازمانده از ارتقای شغلی محسوب می‌شود. اگر مهدکودک توان پرداخت شهریه دوره‌های آموزشی را نداشته باشد، استفاده از ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر که در این زمینه رایگان و داوطلب هستند، فرصت خوبی است.

همچنین، وجود بعضی تجهیزات در مهدکودک ضروری است که حفظ حرمت و احساس امنیت کارکنان و والدین را در پی دارد؛ مانند اتاق مدیر که در آن با والدین و کارکنان مذاکره و مصاحبه و حتی مشاوره داشته باشد. در این راستا، محرمانه‌بودن اطلاعات کودکان، والدین و مربیان از جمله حقوق آنان است که البته توسعه نظارت الکترونیکی در مهدکودک که قانونی و الزامی است، تناقضی با آن ندارد.

موضوع قابل تأمل دیگر، وجود بلایای طبیعی یا انسانی است که در تمام کشورها و شهرها محتمل است و شاید در ساعاتی رخ دهد که کودکان در مهدکودک حضور دارند. لذا توانایی کارکنان مهدکودک در کنترل هیجان خویش و رفتار مقتضی شرایط خاص و مدیریت بحران بسیار اهمیت دارد و مدیران و مربیان باید به این توانایی و مهارت مجهز باشند. انواع موقعیت‌های اضطراری و بلایا نیازمند همدلی و البته اقدامات اورژانسی هستند. بنابراین کارکنان مهدکودک باید همیشه در استفاده از جعبه کمک‌های اولیه مسلط باشند و برای مواردی نظیر تنفس مصنوعی، خونریزی، سوختگی، مسمومیت و آسیب‌های وارده به اعضای بدن آموزش دیده باشند و با کنترل هیجان خود، در سایر شرایط مشابه نیز الگوی مناسبی برای کودکان باشند.

بعضی از صاحب‌نظران تأکید می‌کنند، در فعالیت‌های آموزشی کودکان نباید از فناوری استفاده شود، زیرا شناس کودکان برای یادگیری از واقعیت‌ها کمتر می‌شود. ما هم تا حدودی به این موضوع توجه داریم، لیکن امروزه

که شناخت مؤلفه‌های آن از دیدگاه خبرگان و متخصصان داخلی نیز می‌تواند مفید باشد. لذا مؤلفه‌های مورد نظر، با استفاده از روش دلفی در سه مرحله، با توافق خبرگان، استخراج شدند.

در مرحله اول، خبرگان دیدگاه‌های خود را در مورد کیفیت خدمات مهدکودک بیان کردند؛ چنانچه دریافت نظرات آنان تا اشیاع نظری پیش رفت. در مرحله دوم، تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری صورت گرفت و با زیرمؤلفه‌های استخراج‌شده از مرحله اول و یافته‌های پیشینه مطالعه، فهرست کاملی از کدها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. در مرحله سوم، دسته‌بندی نهایی زیرمؤلفه‌های به‌دست‌آمده، با تجمیع نظرات مشابه و متفاوت به‌صورت یک فهرست کامل، فهرست منسجمی از کیفیت خدمات مهدکودک به این شرح تدوین شد:

یافته‌های مطالعه

شاخص‌های کیفیت خدمات مهدکودک در این مطالعه شامل تمامی خدمات قابل ارائه در مهدکودک است که برای کودکان، والدین، مربیان و سایر کارکنان می‌تواند پیش‌بینی و اجرا کرد. در مطالعه حاضر، کیفیت خدمات مهدکودک با ۸۹ مؤلفه استخراج شد. لیکن کدهای نهایی مورد توافق خبرگان در جدول رمزینه سریع پاسخ زیر ارائه شده است



بحث و نتیجه‌گیری

راه‌اندازی و اداره مهدکودک مصداق رعایت حقوق کودکان، والدین و مربیان برای بهره‌مندی از خدمات آن است؛ خدماتی که هر چه باکیفیت‌تر باشند، مخاطبان بیشتری جذب خواهند کرد. وجود استانداردهای بهداشتی، آموزشی، مراقبتی و رفاهی برای رشد همه‌جانبه کودکان بدیهی است، لیکن کیفیت بالاتر از استاندارد برای مهدکودک بهتر است (استاندارد یعنی کف و پایین‌ترین سطح مورد قبول). محیطی که استانداردهای لازم را داشته باشد،

برای تحقق اهداف آموزشی، به‌ویژه در آموزش‌های غیررسمی، استفاده از فناوری لازم است و روش‌های قدیمی نمی‌توانند نیازهای کودکان را برطرف کنند. حتی توصیه می‌شود، در فضای استراحت مربیان که باید احساس راحتی را القا کند، امکاناتی مانند رایانه، میز کار و کتابخانه‌های کوچک و حتی اینترنت رایگان برای اطلاع از قوانین و حقوق شاغلان برای رشد حرفه‌ای آنان در نظر گرفته شود.

از طرف دیگر، مدیران مهدهای کودکی موفق هستند که به جامعه محلی و فرهنگی در طراحی برنامه‌های آموزشی توجه کنند و بر اساس پیشینه اجتماعی کودک، شیوه‌های یادگیری را به کار گیرند. آنچه مسلم است، مدیران و مربیان مهدهای کودک باید با تکیه بر دانش و مهارت خود و البته علاقه‌های کودکان و والدین، در بهره‌مندی از محتوای آموزشی که سازمان متولی معرفی می‌کند، کوشا باشند. همچنین، وجود ابزارها و وسایل کمک آموزشی در تنوع بخشیدن به آموزش‌ها و ایجاد هیجان و شادابی در کودکان مفید و مؤثر خواهد بود.

از دیگر موارد مهم در مهدهای کودک، ضرورت ایجاد محیط مناسب برای تربیت دینی است که علاوه بر داشتن رنگ و بوی معنوی و شادابی، از نظر مربیان نیز مورد تأکید است. لذا وظیفه مدیران در استخدام نیروهای مناسب اهمیت دارد. مربیان، علاوه بر آموزش به کودکان، وظیفه توجیه والدین برای همراهی با برنامه‌های دینی و فرهنگی را نیز بر عهده دارند. همچنین، برای تقویت فعالیت‌های ذکر شده، می‌توان با برقراری ارتباط بهینه با مراکز علمی و فرهنگی به‌منظور بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن‌ها و با همکاری والدین و کودکان، برنامه‌های جدید تعریف کرد؛ مانند گردش‌های فرهنگی، زیارتی و علمی برای ایجاد آشنایی کودکان با محیط زیست، برنامه‌های خودمراقبتی برای رفع دغدغه جامعه که نشئت گرفته از نبود امنیت اجتماعی برای کودکان است.

همچنین، یکی از اهداف تأسیس مهدهای کودک، ایجاد پایگاهی برای ارائه خدمات اجتماعی، رفاهی و پیشگیرانه دولتی است؛ مانند شنوایی‌سنجی، بینایی‌سنجی، ارائه غذای گرم در مهدهای روستایی برای رفع سوء تغذیه کودکان و... چرا که تحقیقات نشان می‌دهند، نبود تغذیه مناسب و استراحت کافی در کودکان یکی از مهم‌ترین دلایل بی‌توجهی آنان به مطالب آموزشی است. حتی وجود سیستم حمل و نقل کودکان از منزل نیز در این باره می‌تواند مفید باشد. از طرف دیگر، مهدکودکی را می‌توان موفق دانست که حتی در پذیرش کودکان دارای نیازهای ویژه نیز پیش قدم باشد و در صورت پذیرفتن چنین کودکانی، شرایطی را فراهم می‌کند که بین ایشان و سایر کودکان تعامل بهینه برقرار شود.

در پایان توصیه می‌شود، مربیان و کودکان در ساختن ابزار آموزشی و هنرهای دستی همکاری داشته باشند، چرا که بازی کردن با وسایلی که خودشان ساخته‌اند، انگیزه و یادگیری بیشتری ایجاد می‌کند. جنبه‌های پنهان برنامه‌های آموزشی، اگر کنترل شده باشند، فایده‌های بسیاری در رشد و تکامل یکپارچه کودکان خواهند داشت. همچنین، انسان‌ها برای ورود به هر مرحله از زندگی به راهنمایی‌ها و آمادگی‌هایی نیاز دارند. کودکان نیز برای

ورود به نظام آموزشی باید تحت آموزش و مراقبت‌های لازم قرار گیرند. اما متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها، به دلیل نداشتن توان اقتصادی، قادر به پرداختن شهریه و استفاده از خدمات مهدکودک برای کودکانشان نیستند. لذا مدیران و مربیان مهدهای کودکی که خلاق هستند و مسئولیت اجتماعی دارند، می‌توانند با تعریف خدمات مبتکرانه برای کودکانی که در منزل هستند، خدمتی ارزشمند ارائه کنند و با با تخفیف شهریه، تلاش کنند تعداد بیشتری از کودکان را تحت پوشش قرار دهند.

پی‌نوشت‌ها

1. Growth
2. Profitability
3. Production

منابع

1. ایران نژاد، مهدی و ساسان گهر، پرویز (۱۳۹۸). سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل. مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
2. کول، وینتا (۲۰۱۱). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. ترجمه فرخنده مفیدی. سمت، تهران.
3. ماسن، پاور هنری کیگان (۲۰۱۸). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی. کتاب ماد، تهران.
4. مفیدی، فرخنده (۱۳۹۷). مدیریت مراکز پیش از دبستان. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
5. ولی زاده، لیلیا. طراحی و اعتباریابی الگوی مدیریت اثربخش در ایران. فصلنامه علوم تربیتی شهید چمران اهواز. شماره ۲۶. ۱۳۹۸
6. هوی، وین و میسکل (۲۰۱۶). تئوری، تحقیق و عمل مدیریت آموزشی. ترجمه حسین عباسیان. انتشارات آراد.
7. Aubrey, C. (2016) Leadership in early childhood.
8. Ballaschk, I. (2018) management as current issues in early years settings in Germany.
9. Bryant, L. (2017) Managing an early education and care service in NSW.
10. Choi WA, H. (2018) Identifying leadership roles for quality in early childhood education.
11. Deliana, S. (2016) the development of management model of kindergarten teachers in Indonesia.
12. Douglass, A. (2017) Lessons from an early education leadership.
13. DoraHo, C. (2018) Human resource management in Hong Kong preschools.
14. Heikka, J. (2016) investigating Teacher Leadership in ecec centres in Finland.
15. Hannevig, L. (2018) leaders view on experiences in establishing a collaborative culture and competence development in ececs and child welfare services.
16. Laili, F. (2016) Managing public preschool education.
17. Moloney, M. (2017) the manager in early education settings.
18. Meloy, B. (2019). Untangling the Evidence on Preschool Effectiveness Insights for Policymakers.
19. Nupponen, H. (2018) Leadership and management in child care services.
20. Zembata, R. (2019) the relationship between the effectiveness of preschools and leadership styles of school managers.



سواد رسانه‌ای خانواده در استفاده کودکان از تلویزیون

● دکتر معصومه نصیری
عضو هیئت تحریریه

جامعه‌ای که به‌گونه‌ای فزاینده روابط خود را در شبکه‌های رسانه‌ای سامان می‌دهد؛ شبکه‌هایی که به تدریج جایگزین شبکه‌های اجتماعی ارتباطی رودررو می‌شوند، یا آن‌ها را کامل می‌کنند.

بر این اساس می‌توان ادعا کرد، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی، بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین سطح توانمندی برای زیستن در عصر جدید یا عصر فراگیری انواع رسانه‌هاست و به مخاطب این قابلیت را می‌دهد که در فراگرد انواع تولیدات رسانه‌ای اسیر نشود و ضمن دریافت هوشمندانه پیام‌ها و رمزگشایی آن‌ها، کنشگری فعال نیز باشد.

در این نوشتار روی سخن با والدین، مریبان و کسانی است که رسالت تربیت فرزندان این مرز و بوم را برعهده دارند. این متن ضمن تأکید

بر تقویت کنشگری کودکان در مواجهه با انواع رسانه و تولیداتش، به ماهیت تلویزیون به‌عنوان

یک قرن پیش، زمانی که مارشال مک‌لوهان از دهکده جهانی، آن هم در عصر قدرت نگرش‌های فرهنگ‌گرایانه و پارادایم اثرات محدود سخن می‌گفت و اساساً کل فناوری‌های رسانه‌ای از القبا تا رایانه و تلویزیون را در امتداد انسان قلمداد می‌کرد، تصور روزی که زندگی بدون رسانه بی‌معنا باشد، برای مردمان آن روز دور از ذهن بود.

او همان سال‌ها، زمانی که از درک رسانه می‌نوشت، از سواد سخن به میان آورد که امروزه و در هزاره سوم، یونسکو به‌عنوان یکی از شش سواد جدید دنیا از آن یاد کرده است. مک‌لوهان معتقد بود: «زمانی که دهکده جهانی فرا برسد، انسان‌ها باید به سواد جدیدی به نام سواد رسانه دست یابند.»

سواد رسانه‌ای و اطلاعات دیگر، نه دانش و مهارتی صرف، بلکه یک ضرورت برای شهروندان جامعه شبکه‌ای است؛

نخستین رسانه‌های که کودکان پیش از دبستان با آن درگیر می‌شوند اشاره می‌کند و به نقش سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی و چگونگی تبدیل آن به تربیت رسانه‌ای خواهد پرداخت.

نخستین نکته درباره تلویزیون، به‌عنوان رسانه‌ای دیداری و شنیداری، توجه به تأثیرات توأمان آن بر مخاطب، به‌ویژه کودکان، است. آنچه را ما به‌عنوان داستان قبول می‌کنیم، کودکان زندگی و باور می‌کنند. بر این اساس، اولیا و مربیان در مواجهه با رسانه تلویزیون باید چند نکته را به‌خاطر داشته باشند تا بتوانند با دانش و آگاهی بیشتر به رفتاری دست بزنند که به تربیت رسانه‌ای کودکان منجر شود؛ نکات عبارتند از:

● هر برنامه تلویزیونی برای این ساخته می‌شود که ما را به تماشا ترغیب کند

● مشاهده تلویزیون به میزان زیاد می‌تواند دیدگاه فرد را نسبت به دنیا عوض کند.

● عملکرد تلویزیون این است که تبلیغاتی ویژه را به بینندگان ارائه کند.

● اثرات محتواهای تلویزیونی بیشتر و عمیق‌تر در ذهن تهنشین می‌شوند. سال‌ها پیش و زمانی که اکثر گیرنده‌های تلویزیونی سیاه و سفید بودند، تلویزیون چندان رقیب زیادی برای ایجاد سرگرمی‌های خانگی نداشت. وقتی به نسل هزاره سوم از این می‌گویند که برنامه‌های تلویزیونی عصر ما از ساعت ۴ شروع و در نهایت ۱۱ شب به پایان می‌رسند، از ته دل می‌خندند که شما بدون تلویزیون چه می‌کردید و چگونه برنامه‌های موردعلاقه‌تان را می‌دیدید! البته آن‌ها حق دارند، چرا که آن‌ها تجربه تلویزیونی متفاوتی دارند. آن‌ها صدها کانال در اختیار دارند که می‌توانند از میانشان انتخاب کنند. به این موارد، تعداد زیاد ایستگاه‌هایی را اضافه کنید که قابلیت تماشای برنامه‌ها را در زمان دلخواه مردم به وجود می‌آورند. بدین ترتیب می‌توانیم بگوییم دنیای تلویزیون در سال‌های گذشته تغییرات زیادی داشته است.

اما در کنار اینکه شناخت ماهیت ذاتی تلویزیون اهمیت دارد، باید به چند پرسش نیز توجه کرد که اساساً والدین و مربیان برای نظارت بر استفاده کودکان از تلویزیون از چه راهبردهایی استفاده می‌کنند؟ سواد رسانه‌ای تربیت‌کنندگان کودک (والدین و مربیان) چه تأثیری بر انتخاب شیوه‌های نظارتی آن‌ها بر استفاده کودکان از تلویزیون دارد؟ آیا سبک استفاده رسانه‌ای والدین (در اینجا استفاده از تلویزیون) بر سبک مصرف کودکان تأثیر گذار است؟

آگاهی از کارکردهای رسانه

دانستن کارکردها و قواعد حاکم بر تلویزیون همان قدر اهمیت دارد که تن‌دادن به این رسانه؛ با علم به اینکه بر ما چه میزان تأثیر خواهد داشت. پس در کنار شناخت باید مهارت نیز آموخت.

امروزه ما در متن و بطن نوعی «فرایند رسانه‌ای‌شدن فزاینده» زندگی می‌کنیم که از رهگذر آن، رسانه‌ها به‌طور روزافزونی در مسیر درگیر شدن در فرایندهای فراملی قرار گرفته‌اند و در حال تجاری‌شدن و خارج‌شدن از قلمرو نظارت و کنترل دولتی هستند. فناوری‌های جدید، دست‌اندرکار ایجاد دگرگونی و تحول در فرایند رسانه‌ای‌شدن شده‌اند. خصلت بینامتنی رسانه‌های همگانی به‌طور روزافزونی در مسیر افزایش قرار گرفته است. رسانه‌های الکترونیک نزدیکی و بی‌واسطگی، و تعامل و واکنش دوسویه را برای انسان‌ها به ارمغان آورده‌اند. امکان دسترسی به اطلاعات را برای شهروندان، سیاستمداران و دیوان‌سالاران افزایش داده‌اند. جمع‌آوری، انباشت

و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند، و به دریافت‌کنندگان اطلاعات امکان داده‌اند کنترل بیشتری بر آن داشته باشند. این رسانه‌ها همچنین امکان قبض و بسط اطلاعات را برای فرستنده و امکان تعامل میان فرستنده و گیرنده اطلاعات را فراهم آورده‌اند. به‌رغم این تحولات گسترده در عرصه کارکرد و نقش رسانه‌ها، کماکان می‌توان رسانه را پدیده‌ای دو چهره یا دو رویه تعریف کرد: هم زخم‌آفرین و هم مرحم‌آفرین، هم هویت‌زا و هم هویت‌زدا. هم ایجادکننده بحران و هم تدبیرکننده آن.

با این وصف و علم به کارکرد و وضعیت رسانه‌ها باید تأکید کرد، یکی از کارکردهای تلویزیون ایجاد نیاز و خواسته‌های جدید و سپس در ادامه اقدام به «تأمین دقیق خواسته‌های افراد» است. شما از طریق تبلیغات تلویزیونی به سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، روی آوردن به انواع بیمه‌ها و خرید یخچال‌های بزرگ برای آشپزخانه‌تان ترغیب می‌شوید. شما از طریق تلویزیون بی‌صبرانه منتظر آغاز مناظره‌های تلویزیونی می‌شوید تا درباره رأی خود تصمیم نهایی را بگیرید. پس تلویزیون‌ها محتوایی را می‌سازند که وسیع‌ترین شکل ممکن از تبلیغات را به مخاطبانش عرضه می‌کنند و مخاطبان نیز به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند.

وقتی افراد متوجه می‌شوند سواد رسانه‌ای را تدریس می‌کنیم، معمولاً تصور می‌کنند به تلویزیون علاقه‌مند نیستیم. بسیاری از افراد ممکن است درصدد ممانعت از تماشای تلویزیون فرزندانشان باشند؛ به‌خصوص با اتکا به این سخن که بر رشد ذهن و عملکردهایشان تأثیر می‌گذارد. اما بیایید تصمیم بگیریم برنامه‌ها را ببینیم و به فرزندانشان گوشزد کنیم به‌خاطر داشته باشند: هر چیزی که در تلویزیون می‌بینند، باید با دیدگاه خاص خودش تماشا شود. به کودکان باید بگوییم هر چیز در رسانه یک ساختار است.

تلویزیون بی‌شک در بازتعریف مفاهیم کلان نیز تأثیر دارد؛ مفاهیمی همچون لذت، شهرت، رضایت، دانایی و استعداد. مثلاً تلویزیون می‌تواند تعریف و ملاک ما و کودکانمان از شهرت را به‌حدی سطحی کند که با الگوبرداری از آن، در سایر رسانه‌ها برای نیل به اهداف اقتصادی یا سیاسی، اقدام به شهرت‌آفرینی و مشهورسازی کنیم و تصویری غلط از خود ارائه کنیم که امتدادش را در شبکه‌های اجتماعی و دوران نوجوانی، در قالب شاخ‌های اینستاگرام مشاهده می‌کنیم.

هر کسی تأثیر برنامه‌سازی تلویزیونی را زیر سؤال ببرد، می‌تواند به تأثیر مجریان یا بازیگران تلویزیون بر رفتار، گفتار و پوشش جوانان دقت کند. تأثیر تکه‌کلام‌های آن‌ها بر نسل کودک و نوجوان و بازتولید مفاهیم توسط آن‌ها را بسنجد.

از همه مهم‌تر، کودکان و نوجوانانی که بیش از بقیه تلویزیون نگاه می‌کردند، نسبت به همتایانشان، با درصد بیشتری، شهرت را مایه بهبود زندگی‌شان می‌دانستند. البته با توجه به پیدایش رسانه‌های نوظهور، شاید کمتر بتوان به نقش تلویزیون در این پروسه اشاره کرد، اما با اندکی اغماض می‌توان یادآور شد هنوز هم تلویزیون در شهرت و ملاک‌های ما برای مشهور دانستن یا ندانستن افراد جایگاه دارد. این تأثیرگذاری، اگر با عدم مدیریت مصرف رسانه‌ای همراه شود، بر اساس فرهنگ جوامع می‌تواند به مهندسی فرهنگی نیز منجر شود.

اما راهکار چیست؟

مشاهده هم‌زمان یک برنامه تلویزیونی با کودکان، نخستین گام برای حرکت به سمت کسب سواد رسانه‌ای است. تماشای هم‌زمان یا همان همراهی کودکان فرصت خوبی را برای پرسش فراهم می‌کند تا در مورد برنامه‌ها و از آن مهم‌تر نظر کودکان در مورد آن برنامه‌ها بدانیم. شما با طرح این سؤالات از دنیای ذهنی کودکان آگاه خواهید شد و دلیل انتخاب‌ها یا تأییدهای او را درمی‌یابید.

مشاهده هم‌زمان یک برنامه با کودک یا دانش‌آموز می‌تواند با پرسیدن سؤالات زیر ساده‌تر شود:

- فکر می‌کنید چرا آن شخصیت چنین کاری را انجام داد؟
- اگر شما در آن موقعیت بودید، چه کار می‌کردید؟
- آیا فکر می‌کنید این اتفاق در زندگی شما نیز بیفتد؟ چرا؟
- چه چیزی را در این برنامه دوست دارید؟
- این برنامه چه حسی به شما می‌دهد؟
- آیا تصویری از خودتان در این برنامه می‌بینید؟

در کنار این سؤالات، والدین و مربیان نیز باید بتوانند به این سؤالات پاسخ دهند تا بتوانند نقش تسهیلگری خود را در مواجهه با کودکان به‌خوبی ایفا کنند. مثلاً اینکه:

- چه کسی این پیام را خلق کرده است؟
- چه تکنیک‌های خلاقانه‌ای برای جلب توجه من استفاده شده است؟
- چه برداشت‌های متفاوتی را می‌توان از پیام این برنامه انجام داد؟
- چه سبک‌ها، ارزش‌ها و دیدگاه‌هایی در این پیام ارائه شده یا از آن حذف شده‌اند؟
- چرا چنین پیامی ارسال شده است؟

اما چرا باید سواد رسانه‌ای را ترویج و بر تحقق تربیت رسانه‌ای تأکید کنیم؟

هر کسی که از رسانه استفاده می‌کند، باید نسبت به آن آگاهی داشته باشد. این آگاهی از سنین پایین شکل می‌گیرد و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. تمامی افراد باید بدانند همواره آنچه مشاهده می‌کنند، با آنچه دریافت می‌کنند، مشابه نیست. برای تحقق فهم این گزاره‌ها می‌توان در محیط‌هایی که با کودکان سروکار داریم، برای یافتن پاسخ این سؤالات و تفکر درباره آن‌ها اقدام کنیم و برای آن‌ها زبان ساده و همه‌فهمی برای انتقال معنا فراهم آوریم:

- چگونه برنامه‌های محبوبمان می‌توانند ما یا خانواده‌مان را تعریف کنند؟
- آیا خانواده ما باید محدودیت‌هایی را در مورد تماشای تلویزیون وضع کند؟ در تعیین این محدودیت‌ها چه نکاتی را باید لحاظ کرد؟
- هدف تولیدکنندگان این برنامه تلویزیونی چه بوده است؟
- کاری کنید دانش‌آموزان زندگی کودکان تصویر شده در تلویزیون را با خودشان مقایسه و آن را نقد کنند.

این روش‌ها و سؤالات، به تقویت تفکر انتقادی در کودکان و مهارت‌های فکر کردن در کودکان منجر خواهند شد و این دو مقوله و مؤلفه مهم از زیربنای لازم و ضروری برای ارتقای سواد رسانه‌ای و در نهایت تحقق تربیت رسانه‌ای این گروه سنی در مواجهه با تلویزیون به‌عنوان اولین رسانه‌ای خواهد شد که به‌طور جدی با آن مواجه می‌شوند.

پی‌نوشت

Jake Halpern .۱



داستان‌های سواد مالی؛ درس‌هایی برای زندگی

● **شیما فدوی**
کارشناس و مدرس سواد مالی

وقتی ما کودک و نوجوان بودیم، اوضاع اقتصادی خانواده‌ها بسیار متفاوت بود. ساده‌زیستی و قناعت سرلوحه زندگی‌ها بود و چالش‌های اقتصادی کمتر و محدودتر بودند. اکنون اوضاع متفاوت است. معضلات اقتصادی و تورم روزافزون، همراه همیشگی زندگی‌هایمان شده‌اند. آینده مبهم و نگران‌کننده به نظر می‌رسد. حال که خودمان پدر و مادر شده‌ایم، با نگرانی و اضطراب به آینده فرزندانمان فکر می‌کنیم که چگونه می‌خواهند از پس مشکلات اقتصادی برآیند. برای آسودگی خاطر و امیدبخش تر شدن زندگی فرزندانمان، باید تا جایی که می‌توانیم، آن‌ها را برای سال‌های آینده آماده کنیم؛ برای روزهایی که ما نیستیم و آن‌ها باید ناخدای کشتی امور مالی زندگی خود باشند، به سلامت از توفان‌ها بگذرند و به ساحل امن اقتصادی برسند.

ما خلاً آموزش‌هایی درباره امور مالی را حس کرده‌ایم، اما نمی‌دانستیم چگونه می‌توانیم مفاهیم پیچیده سواد مالی را به فرزندانمان بیاموزیم؛ مفاهیمی که گاه خود ما نیز از آن‌ها بی‌اطلاعیم. دانش ما به‌طور عمده بر پایه آزمون و خطا و روش‌های قدیمی والدینمان استوار است. ما در جایگاه والدین موظفیم این دانش را بیاموزیم، باسواد مالی شویم و در مرحله بعد زمینه‌یادگیری آن را برای فرزندانمان مهیا کنیم.

استانداردهای سواد مالی

سواد مالی سرفصل‌ها و مفاهیم مشخص و مدونی دارد که از آن‌ها با عنوان «استانداردهای سواد مالی» یاد می‌شود. این استانداردها مشخص می‌کنند هر کدام از سرفصل‌های سواد مالی به چه میزان و در چه سنی به کودکان و نوجوانان آموزش داده شوند. سرفصل‌های سواد مالی شش مورد هستند: خرج و پس‌انداز؛ اعتبار و بدهی؛ کار و درآمد؛ سرمایه‌گذاری؛ ریسک و بیمه؛ تصمیم‌گیری مالی. هر سرفصل شامل ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی است. فرد باسواد مالی از دانش کافی سواد مالی برخوردار است، روش به‌کارگیری آن را می‌داند و به علت برخورداری از نگرش‌های همسو، آن‌ها را به‌خوبی در زندگی به‌کار می‌گیرد. برای مثال، مفاهیم دانشی این سرفصل‌ها برای گروه سنی پیش از دبستان عبارت‌اند از:

خرج و پس‌انداز: در این سرفصل کودکان با تفاوت اسکناس و سکه، شمردن پول، مفهوم پول توجیبی، پس‌انداز، تهیه فهرست خرید، بانک و افتتاح حساب آشنا می‌شوند.

اعتبار و بدهی: در این سرفصل کودکان با تفاوت میان خرید و قرض کالا، و لزوم پس‌دادن کالا بدون آسیب آشنا می‌شوند.

کاربایی و درآمد: در این سرفصل کودکان با مفهوم شغل

و پول توجیبی، برشمردن وظایف در شغل‌های گوناگون، و راه‌های کسب درآمد از وظایف خاصی که می‌توانند در خانه به‌عهده بگیرند آشنا می‌شوند.

مدیریت ریسک و بیمه: در این سرفصل کودکان با راه‌های مناسب و امن حمل پول و وسایل ارزشمند و شیوه نگه‌داری از آن‌ها، تهیه فهرست از وسایل ارزشمند خانواده و خطراتی که ممکن است این وسایل ارزشمند را تهدید کنند آشنا می‌شوند و نیز می‌آموزند از خودشان و وسایل ارزشمندشان در برابر آسیب‌ها محافظت کنند.

تصمیم‌گیری مالی: در این سرفصل کودکان با مفهوم محدودبودن پول، انتخاب (هنگامی که دو چیز را می‌خواهیم اما فقط پول یکی از آن‌ها را داریم)، تفاوت نیازها و خواسته‌ها، اهمیت گفت‌وگو در رسیدن به خواسته‌ها، لزوم عمل به قول، و اهمیت و دلیل بازگو نکردن اطلاعات شخصی پیش افراد غریبه آشنا می‌شوند.

استانداردهای سواد مالی از یک سو به مربیان سواد مالی کمک می‌کند مفاهیم مناسب هر گروه سنی را برگزینند و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند و از سوی دیگر راهنمایی است برای هنرمندان (نویسندگان، فیلم‌سازان و طراحان بازی) که محصولات متناسب هر رده را بیافرینند.

آموزش غیرمستقیم به کودکان با داستان‌پردازی و قصه‌گویی

بخش عمده آموزش سواد مالی در سال‌های پیش‌دبستانی و دبستان به شیوه غیرمستقیم و از طریق داستان‌گویی امکان‌پذیر است. داستان‌گویی، تخیل کودکان را به پرواز درمی‌آورد، شناختشان از مسائل جدید را افزایش می‌دهد و به کسب تجربه کمک می‌کند. کودک در هنگام شنیدن داستان، با احساس‌ها، اندیشه‌ها، باورها و ارزش‌های جدیدی آشنا می‌شود که دنیای نوین پیش رویش می‌گسترانند و سرگرمش می‌کنند. زمانی که داستانی را برای فرزندمان تعریف می‌کنیم، او با شخصیت‌ها همراه می‌شود و خود را جای آن‌ها می‌گذارد. به این ترتیب، علاوه بر لذت‌بردن از ماجراها، خودناآگاه مفاهیم جدید را می‌آموزد.

با وجود سابقه طولانی آموزش سواد مالی در جهان، این موضوع در ایران حوزه‌ای نو به حساب می‌آید. در چند سال اخیر، فعالیت‌هایی انجام شده‌اند تا آموزش سواد مالی به کودکان و نوجوانان، به‌عنوان آینده‌سازان جامعه، شکل صحیح‌تری به خود بگیرد. از جمله اقدامات انجام‌شده در این بخش، انتشار دو مجموعه کتاب داستان سواد مالی برای دانش‌آموزان است؛ مجموعه ۱۷ جلدی داستان‌های سواد مالی برای کودکان پیش‌دبستانی تا سوم دبستان و مجموعه ۲۷ جلدی داستان‌های سواد مالی برای دانش‌آموزان چهارم تا ششم دبستان. محتوای این کتاب‌ها را «آکادمی هوش مالی» تهیه و آماده و انتشارات قدیانی آن را منتشر کرده است.

هرکدام از این داستان‌ها یک یا چند مفهوم مشخص از سواد مالی را به کودکان آموزش می‌دهند. این مفاهیم در پشت جلد کتاب به‌صورت دقیق ذکر شده‌اند تا مربیان و خانواده‌ها داستان موردنظر را براساس نیاز آموزشی خود انتخاب کنند. در کنار این داستان‌ها، کتاب‌هایی در اختیار خانواده‌ها و مربیان قرار می‌گیرند تا با طرح پرسش‌ها و انجام فعالیت‌ها و بازی‌ها، یادگیری کودکان افزایش یابد.

یک داستان، چند درس

برای نمونه، کتاب «از من کلاه بخرید»، از داستان‌های مجموعه ۱۷ جلدی «آموزش سواد مالی به کودکان»، آن‌ها را با مفهوم نیاز و خواسته، یکی از مهم‌ترین موضوعات سواد مالی، آشنا می‌کند. از آنجا که پول و زمان هر فرد محدود و نیازها و خواسته‌های او نامحدودند، جلب توجه افراد به نیازها و خواسته‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها در تصمیم‌گیری مالی ضرورت پیدا می‌کند. از نگاه سواد مالی، هر انسانی دو دسته احتیاج دارد: نیاز و خواسته. این کتاب با زبانی ساده، کودکان را با این دو مفهوم آشنا می‌کند. دو دوست، ماهی سفید نارنجی و خرس نارنجی، می‌خواهند در بازار شهر کلاه بفروشند، اما هیچ‌کس از آن‌ها کلاه نمی‌خرد. آن‌ها روز به روز قیمت را کاهش می‌دهند، اما باز هم کسی خریدار کلاه‌هایشان نیست. آن‌ها وقتی می‌بینند نمی‌توانند هیچ کلاهی بفروشند، اما دیگران فروش خوبی دارند، تصمیم می‌گیرند راز موفقیتشان را بپرسند تا شاید با الگوبررسی از آن‌ها، برای کلاه‌هایشان مشتری پیدا کنند. هرکدام از فروشندگان چیزی می‌گویند: یکی می‌گوید، من اسکیت‌بورد می‌فروشم، چون همه آن را دوست دارند. فروشنده دیگری می‌گوید، مردم خریدار نوشیدنی ما هستند، چون تبلیغات آن را در همه‌جا می‌بینند. فروشنده سوم هم می‌گوید، مشتریان محصول ما را می‌خواهند چون جدید و هیجان‌انگیزند.

پس آن‌ها، علاوه بر تخفیف، شروع به تبلیغ می‌کنند. اما این کار هم جواب نمی‌دهد و آن‌ها متوجه می‌شوند چندان چیزی درباره تبلیغات و روش‌های آن نمی‌دانند. آن‌ها پیش خودشان تصور می‌کنند هیچ‌کس این کلاه‌ها را دوست ندارد و کلاه‌هایشان حتی آن‌قدر جدید و هیجان‌انگیز نیستند تا خودشان، خودشان را بفروشند. به نظر می‌رسد در این محله کسی اصلاً به کلاه نیاز ندارد و اگر جای دیگر بروند، شاید بتوانند برای کلاه‌هایشان مشتری پیدا کنند. در همین فکر هستند که ناگهان باران شروع به باریدن می‌کند. با شروع باران، اتفاق جالبی می‌افتد؛ همه برای خرید کلاه هجوم می‌آورند.

این داستان بچه‌ها را متوجه این درس مهم می‌کند که صرف عرضه یک محصول در بازار، باعث موفقیت نمی‌شود. محصولی در بازار فروش می‌رود که نیاز یا خواسته خاصی از مشتریان را برآورده کند، مردم با آن آشنا باشند و ...

خانواده یا مربی می‌تواند در پایان داستان با طرح پرسش‌هایی ذهن کودک را بیشتر درگیر نکات آموزشی کند. برای مثال می‌تواند بپرسد: «تو چه نیازها و خواسته‌هایی داری؟ چگونه می‌توانی آن‌ها را اولویت‌بندی کنی؟ برای اینکه محصولی به فروش برود، به چه چیزهایی باید توجه کرد؟ برطرف‌دار بودن آن؟ جدید و هیجان‌انگیز بودن آن؟ نیاز یا خواسته‌بودن آن؟ تبلیغات آن؟ و ... نیاز چیست؟ خواسته چیست؟»

سواد مالی موضوعی است تخصصی و دارای سرفصل‌ها و مفاهیم‌های مشخص که باید آن را به دور از عرفی‌نگری و ساده‌نگری، به‌صورت جامع و یکپارچه، به کودکان و نوجوانان آموخت. انجام چنین کاری مستلزم تلاش نهادهای علمی در ارائه منابع عمیق و متنوع و انجام پژوهش‌های دقیق، تربیت مربیان کارآزموده و متخصص و برنامه‌های آموزشی منظم است.

گزارش کمیته تدوین محتوای سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک

● رقیه قنبری

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی



صاحب‌نظران و کارشناسان مجرب در تعلیم و تربیت دوره پیش‌دبستان، برای گروه سنی از تولد تا ۶ سالگی تهیه شده است. راهنمای مزبور پس از تأیید شورای علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای بررسی و تصویب به شورای عالی آموزش و پرورش ارسال شده است.

اهم ویژگی‌های این برنامه

- انتخاب رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی با تأکید بر رشد همه‌جانبه و یکپارچه کودکان در بستر انس با طبیعت، زیرا کودکان در هفت سال اول در مواجهه با محیط و اطرافیان تربیت می‌شوند و اگر قرار است بر شکوفایی فطرت توحیدی آنان تأکید داشته باشیم، باید تربیت کودک و عناصر مؤثر در آموزش، با فطرت الهی او منطبق باشند و این میسر نمی‌شود مگر با ایجاد موقعیت‌هایی که ذاتاً تربیتی کودک با طبیعت انس گیرد.

- تعیین استانداردها و انتظارات از خانواده، مربی و محیط، به‌ویژه رسانه،

در پی تصمیم شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تأسیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک در اسفندماه سال ۱۳۹۹، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی براساس مأموریت خود، مبنی بر طراحی و تدوین راهنمای برنامه دوره‌های تربیتی تحصیلی از جمله دوره پیش از دبستان و برای تعامل با سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، تعدادی جلسه هماهنگی برگزار کرد. از سوی دیگر، با توجه به ابلاغ وزارتی سازمان پژوهش، این سازمان به تشکیل کمیته برنامه‌ریزی تدوین محتوا اقدام کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، فهرستی اجمالی از عنوان فعالیت‌های انجام‌شده در این کمیته است.

● طراحی و تدوین راهنمای برنامه تربیت و یادگیری دوره پیش از دبستان

این راهنما با مشارکت تمام بخش‌های وزارتخانه (نماینده معاونت‌ها)، نماینده سازمان‌ها و نهادهای مرتبط از جمله بهزیستی، و همچنین



ذیل هر هدف، که راهنمای عمل در فرایند تربیت کودک محسوب می‌شود.

● **تعیین استانداردهای ارزشیابی از منابع تربیتی و یادگیری ویژه دوره پیش از دبستان**

با توجه به اهمیت بهره‌مندی همه کودکان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کودک به محتوای مناسب، این کمیته به تدوین استانداردهای ارزشیابی بسته‌های تربیت و یادگیری دوره پیش از دبستان اقدام کرده است. این استانداردها با حداکثر بهره‌مندی از نظرات مدیران و کارشناسان حوزه ستادی، صاحب‌نظران و مربیان، در دو بخش اصلی اعم از: «برای کودک» و «دربارۀ کودک»، مشتمل بر تمامی منابع مکتوب، غیر مکتوب و چندرسانه‌ای تهیه شده است. این سند در هشتم خرداد سال جاری به وزیر محترم نیز ارائه شده است.

● **تعیین الگوی تولید محتوای تربیت و یادگیری در دوره پیش از دبستان**

نظر به ضرورت انطباق و هماهنگی بین تولید منابع برای کودک و درباره کودک با رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی و مبتنی بر رشد همه‌جانبه کودکان در بستر طبیعت، به این منظور کمیته تدوین محتوا به طراحی الگویی مناسب برای تولید بسته‌های تربیت و یادگیری ویژه دوره پیش از دبستان اقدام کرده است. در این خصوص چندین جلسه درباره اصول، چارچوب و فرایندها، اعم از طراحی، تدوین، اعتبارسنجی و اجرای مناسب منابع مزبور، برگزار شده‌اند و ان‌شاءالله نتایج آن‌ها به‌زودی ارائه خواهند شد.

● **برخی برنامه‌های آینده کمیته تدوین محتوا**

– شناسایی منابع و تولیدات مناسب و مطابق با راهنمای برنامه و الگوی تولید و انتخاب بسته‌های تربیت و یادگیری دوره پیش از دبستان برای سال تحصیلی آینده؛

– معرفی و آموزش الگوی طراحی و تدوین بسته‌های تربیت و یادگیری به فعالان عرصه تولید محتوا، اعم از کمیته‌های استانی، مؤسسات و ناشران، تا در همین راستا به تولید منابع تربیت و یادگیری برای کودک و درباره کودک پیش از دبستان، با تأکید بر منابع ویژه خانواده و رسانه، اقدام کنند.

– پایش مستمر میزان اثربخشی و کیفیت تولیدات و نظارت بر فرایند تولید و اجرای بسته‌های تربیت و یادگیری؛

– تولید بسته‌های نمونه تربیت و یادگیری ویژه کودکان پیش از دبستان، برای بسط عدالت آموزشی.

● **ارائه دستورالعمل مدیریت تولید بسته‌های تربیت و یادگیری و اجرای آن**

با توجه به سیاست چندتالیفی و نقش دادن به استان‌ها در تولید محتوا و بسته‌های تربیت و یادگیری ویژه کودکان پیش‌دبستان، هر استان دارای



حمیدرضا محمدبیگی

کارشناس مسئول آموزش ابتدایی و پیش دبستانی اداره کل

آموزش و پرورش شهر تهران

چالش‌های پیش روی سازمان ملی تربیت کودک

حل نیستند. اما می‌توان با تدبیر مناسب، مسیر رو به رشدی را فراروی نظام تعلیم و تربیت دوران کودکی تصور کرد.

از جمله چالش‌هایی که پیش روی این سازمان قرار دارند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- نیروی انسانی
- فضای آموزشی
- محتوای آموزشی
- نظارت و ارزیابی
- آموزش خانواده
- زمان آموزش
- مدیریت زمان

الف) نیروی انسانی

مدیران، مربیان پیش دبستان و مهدهای کودک به‌عنوان نیروهای انسانی متولی تربیت کودکان و سامان‌دهی امور آنان و پرداختن به مسائل آنان از جمله صلاحیت‌های حرفه‌ای، امنیت شغلی، حقوق و مزایا، شرایط و ضوابط جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مرکز ملی تربیت کودک هستند. در حال حاضر هیچ کدام از موارد ذکر شده نظم و ترتیب خاصی ندارد و نابه‌سامان است:

کشمکش میان نهادها و سازمان‌های گوناگون برای مدیریت امور تعلیم و تربیت کودکان سنین پیش از دبستان از سال‌ها پیش ادامه داشته و اکنون که سازمان ملی تربیت کودک تشکیل شده است، انتظار می‌رود تضادها و اختلافات کنار روند و نگاه علمی و جامع به موضوع تربیت کودکان پیش دبستانی که در حساس‌ترین دوران یادگیری و شکل‌گیری شخصیت خود هستند، در نهاد آموزش و پرورش و مدرسه‌ها و مراکز آموزشی و مهدهای کودک تسری یابد.

اکنون که براساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تمرکز مدیریت آموزش و تربیت در دوره کودکی در وزارت آموزش و پرورش شکل گرفته است، انتظار می‌رود گام‌های اول تشکیل این سازمان با دقت نظر و ظرافت برداشته شوند و خشت اول این بنا به‌درستی چیده شود تا این سازمان بتواند نسبت به سازمان‌های قبلی متولی آموزش و تربیت کودکان، سازمانی چالاک، علمی و مؤثر باشد تا شرایط امروزی تعلیم و تربیت در دوران کودکی را سامانی دوباره بخشد و آن را در مسیری مناسب هدایت کند.

در این مسیر چالش‌هایی بر سر راه این سازمان قرار دارد که برای غلبه بر آن‌ها باید با برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت شرایط و وضعیت موجود و با داشتن چشم‌اندازی علمی نسبت به وضعیت مطلوب، در مسیری رو به تعالی گام برداشت.

چالش‌های پیش روی مرکز ملی تربیت کودک که حاصل سال‌ها کم توجهی به مدیریت یکپارچه این دوره تحصیلی بوده است، به راحتی قابل



باید ترتیبی اتخاذ کند تا ضمن حفظ و ارتقای انگیزه‌های شغلی مربیان، آنان را از حقوق اولیه و قانونی خود برخوردار کند. تأمین شرایط لازم برای داشتن بیمه کامل، دریافت حقوق و مزایای قانونی، بازنشستگی و سنوات برای این دسته از اقشار از سوی سازمان ملی تربیت کودک دور از دسترس نیست و با کمی تدبیر و برنامه‌ریزی و نظارت می‌توان به شرایط مطلوب دست یافت؛ بدون آنکه بار استخدامی به دوش دولت نهاده شود.

ب) مدیریت فضاهای آموزشی

در شرایط موجود فضاهای آموزشی مراکز پیش‌دبستانی و نگهداری کودک به‌طور عمده به دو شکل تأمین می‌شوند. در شکل نخست، بخش خصوصی و افرادی که به سرمایه‌گذاری در این حوزه مایل هستند، با اخذ مجوزهای لازم، به‌عنوان مؤسس و با سرمایه‌های شخصی خود به اجاره فضا، ساخت، خرید، تجهیز و تأمین فضاهای آموزشی اقدام می‌کنند. اما شکل دیگری نیز وجود دارد و آن استفاده از فضاهای مازاد مدرسه‌های دولتی است که به شکل اجاره در اختیار مؤسسان قرار می‌گیرد. بخش بزرگی از پیش‌دبستانی‌ها در سطح کشور از این نوع هستند و این موضوع از جمله چالش برانگیزترین موضوعات و مسائل مدیریتی دوره پیش از دبستان نیز محسوب می‌شود.

نظام اداری دولتی برای رفع تکلیف از تولی پیش‌دبستانی‌ها، این دوره را به‌طور عمده به‌صورت غیردولتی اداره می‌کند و فضاهای آموزشی دولتی را با اجاره‌نامه در اختیار مؤسسان خاص قرار می‌دهد.

قوانین اجاره فضاهای دولتی از جمله قانون مزایده، با ایجاد رقابت میان متقاضیان، موجب شده هزینه اجاره فضاها و هزینه‌های کارشناسی سال به سال افزایش یابند. این افزایش‌ها موجب بالا رفتن نرخ شهریه دانش‌آموزان و فشار اقتصادی بر خانواده‌ها می‌شود؛ تا حدی که بسیاری از خانواده‌هایی که تمکن مالی کمتری دارند، از ثبت‌نام فرزندان خود در مراکز پیش‌دبستانی امتناع می‌کنند. بدین ترتیب بسیاری از کودکان از مزیت‌های تعلیم و تربیت در سنین پیش از دبستان بی‌بهره می‌مانند و هزینه فرصت‌های از دست‌رفته بسیاری به دوش جامعه تحمیل می‌شود.

در شرایط اقتصادی کشور ما، گران کردن و افزایش هزینه‌های آموزش پیش‌دبستانی موجب محروم شدن فرزندان اقشار متوسط و ضعیف جامعه از آموزش‌های مطلوب خواهد شد. هنر این است که شرایطی فراهم شود تا همه مشمولان از آموزش‌های کافی برخوردار شوند و نرخ توسعه کمی پیش‌دبستانی به استانداردهای مطلوب نزدیک‌تر شود.

سازمان ملی تربیت کودک برای رفع این چالش باید بسترهای قانونی لازم را طوری فراهم کند که نقش مدیران مدرسه‌های دولتی در تشکیل

۱. صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی

صلاحیت‌های حرفه‌ای و تخصصی مربیان تعریف نشده است و تنها برخی از دانشگاه‌ها هستند که به تربیت دانشجویان این حوزه تخصصی می‌پردازند. لازم است میان سازمان ملی تربیت کودک و دانشکده‌های علوم تربیتی، برای همسوسازی سرفصل‌های آموزشی و نیازهای آموزش و پرورش هماهنگی‌هایی شکل بگیرد. اما علاوه بر مدرک و رشته تحصیلی، مسائل مهم دیگری نیز وجود دارند که برای سامان‌دهی امور مربیان باید به آن‌ها توجه کرد. از جمله آن‌ها می‌توان این موارد را نام برد: «احراز صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان، مدیران و کارکنان، آموزش‌های کوتاه‌مدت، ارتقای نیروی انسانی، و رتبه‌بندی».

بنابراین، سازمان ملی تربیت کودک از همان ابتدا باید به دنبال تدوین نظامی حرفه‌ای و تخصصی برای سنجش این صلاحیت‌ها و اعمال آن‌ها و سامان‌دهی امور شغلی و مربیان، مدیران و کارکنان مدرسه‌ها و مراکز آموزش و نگهداری کودکان پیش‌دبستانی باشد.

۲. امنیت شغلی

به جرئت می‌توان گفت، مربیان پیش‌دبستانی از جمله اقشاری هستند که کمترین امنیت شغلی و نیز کمترین حقوق و مزایا و پشتیبانی قانونی را دارند؛ در حالی که آنان در حساس‌ترین و زیربنایی‌ترین دوره تحصیلی و تربیتی مشغول کارند و باید از حداقل‌های لازم و چه بسا از حداکثرهای لازم برای داشتن این شغل، از جمله بیمه، بازنشستگی و حقوق مناسب برخوردار باشند و مسیر ارتقای آنان مطابق قوانین سازمان تأمین اجتماعی و قانون کار مشخص باشد. در حالی که به دلیل شکل‌گیری نامناسب و غیر کارشناسی ساختارهای موجود، این قشر تلاشگر از ابتدایی‌ترین حقوق خود نیز محروم‌اند و عمده آنان این شرایط سخت را به امید استخدام در آموزش و پرورش تحمل می‌کنند. چه بسا اگر از حمایت‌های قانون کار برخوردار باشند، درخواست استخدام نیز نخواهند داشت.

سازمان ملی تربیت کودک در ابتدای شکل‌گیری ساختارهای خود



کلاس‌های پیش‌دبستانی تقویت شود و بدین وسیله واسطه‌ها حذف شوند تا با کاهش هزینه‌ها که تا ۵۰ درصد هم قابل تحقق است، مسیر بهره‌مندی فرزندان گروه‌های گوناگون جامعه از آموزش‌های مناسب، که حق طبیعی آنان است، فراهم شود. همچنین، توسعه پیش‌دبستانی‌های دولتی و رایگان در مناطق محروم و روستایی از مسائلی است که باید در برنامه‌های آینده این سازمان در نظر گرفته شود.

ج) برنامه تربیت و یادگیری و محتوای آموزشی

برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت برای تحقق اهداف نظام آموزشی و دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی، به تولید محتوا اقدام و آن را متناسب با شرایط و استانداردهای تربیتی و سن دانش‌آموزان سازمان دهی می‌کنند. محتوا ضمن آنکه ابزاری برای تحقق آرمان‌هاست، نظم در شیوه‌های آموزشی، هماهنگی و انسجام در برنامه‌ها، تحقق خرد جمعی و هویت اجتماعی را در پی خواهد داشت. از این رو، مهم‌ترین عنصر در برنامه‌ریزی درسی تلقی می‌شود، در نظام‌های آموزشی در سطح جهان به آن اهمیت بسزایی داده شده است و همواره مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است و برای ارتقای آن تلاش می‌شود که در برنامه جدید تربیت و یادگیری دوره پیش از دبستان به آن توجه شده است. محتوای آموزشی در برخی از نظام‌های تربیتی به صورت متمرکز و توسط آموزش و پرورش ملی و مرکزی و یا به صورت غیرمتمرکز توسط استان‌ها و مناطق یا حتی مدرسه‌ها تولید یا انتخاب می‌شود. بی‌تردید نحوه تولید، انتخاب و استفاده از محتوا، به طور کامل به سیاست‌های نظام آموزشی بستگی دارد. اما یکی از چالش‌هایی که با ادغام مهدهای کودک با مراکز پیش‌دبستانی ممکن است رخ بنماید، ناهماهنگی مراکز پیش‌دبستانی و مهدهای کودک در شیوه انتخاب محتوای آموزشی است. بسیاری از مهدهای کودک از محتوای آموزشی متمرکز، و پیش‌دبستانی‌های آموزشی آموزش و پرورش از محتوای آموزشی نیمه‌متمرکز استفاده می‌کنند که از نظر مضمون و ساختار با همدیگر تناسبی ندارند. همچنین، تاکنون آموزش و پرورش به موضوع کودکان زیر چهار سال کمتر پرداخته است و با تشکیل سازمان ملی تربیت کودک، متولی این بخش از دوره پیش از دبستان نیز محسوب می‌شود. لذا در خصوص محتوا و همسوسازی آن در سنین پیش‌دبستان، وظیفه خطیری بر عهده این سازمان است. مراکز پیش‌دبستانی، مهدهای کودک و سایر مراکز نگهداری کودکان چشم‌انتظارند تا با شروع و تداوم سال تحصیلی جدید، محتوای آموزشی مناسبی در اختیارشان قرار گیرد.

سؤال این است که این سازمان نوباً چگونه می‌تواند به این نیاز اساسی و مهم پاسخگو باشد و درخواست‌های جامعه را برآورده؟

البته پاسخ این سؤال تا حدودی روشن است. کافی است با عزم و اراده و تصمیم جدی از تجربه‌های انباشته در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و سایر نهادها و مؤسسات علمی و فرهنگی و کارشناسان و افراد صاحب نظر بهره‌جست.

به هر ترتیب، وزارت آموزش و پرورش باید برای رفع چند چالش برنامه‌ریزی کند:

۱. چالش بین محتوای متمرکز و غیرمتمرکز و برقراری تناسب معقول میان این دو طیف؛ که از ضرورت‌های موجود است. دوره ابتدایی محتوایی متمرکز دارد و همواره گفته می‌شود باید بین پیش‌دبستانی و ابتدایی همسویی وجود داشته باشد.

۲. هویت ملی، ملت‌سازی، وحدت ملی و عباراتی آرمانی نظیر این‌ها ایجاد می‌کنند در حوزه محتوا دقت نظر بیشتری اعمال شود و از فرصت‌های تعلیم و تربیت پیش‌دبستانی برای رسیدن به اهداف آرمانی نظام آموزشی بهره‌برداری شود.

۳. مسئولان آموزش و پرورش باید دقت کنند با شعارهایی مانند نبود تمرکز در محتوا، در دام بی‌برنامگی، بی‌نظمی، بی‌هویتی، رهاشدگی و نفوذ اقتصادی و فرهنگی قرار نگیرند. یادمان باشد، در غیرمتمرکزترین نظام‌های آموزشی نیز در حوزه محتوا قوانین و چارچوب‌های محکمی وجود دارند که به هیچ قیمتی از آن‌ها عدول نمی‌شود.

د) نظارت و ارزیابی

نظارت و ارزیابی از عملکرد مراکز آموزشی و مراقبت از اهداف و آرمان‌های نظام آموزشی در ابتدای شکل‌گیری سازمان ملی تربیت کودک اهمیت وافری دارد. این سازمان در ابتدای راه است. به عبارت دیگر، مسئولان در حال پایه‌ریزی خشت اول و زیربنایی این سازمان هستند. بنابراین، اگر در این برهه حساس و به‌ویژه در سال اول شکل‌گیری آن، به موضوع نظارت و ارزیابی توجه جدی صورت نگیرد، بسان همان خشت اولی خواهد بود که اگر راست چیده نشود، در آینده کارکردهای این سازمان را تحت تأثیر منفی

قرار خواهد داد. بی‌شک امروزه همهٔ مدرسه‌ها، مراکز و مهدهای کودک در انتظارند شیوهٔ نظارتی آموزش و پرورش را ملاحظه کنند و برنامه‌ها و عملکرد خود را متناسب با آن شکل دهند.

ناهماهنگی میان قوانین اعمال شده توسط سازمان بهزیستی بر مهدهای کودک و قوانین اعمال شده در مراکز زیر نظر آموزش و پرورش نیز ضرورت و اهمیت نظارت و ارزیابی عملکرد را دوچندان می‌کند. مرکز ملی تربیت کودک می‌تواند با ایجاد شبکه‌ای قوی از نیروهای زبده و کارآمد، این بخش از مدیریت بر دورهٔ پیش از دبستان را تقویت و مدیریت واحدی در سطح کشور ایجاد کند.

ایجاد نظام رتبه‌بندی مراکز و ارزیابی مداوم عملکرد آن‌ها می‌تواند ضمن ایجاد انگیزه در مراکز، برای رشد و ارتقای شاخص‌های عملکردی خود، استانداردهای مناسبی در اختیار آنان قرار دهد تا مدام وضعیت موجود خود را با وضعیت مطلوب مقایسه کنند و با روش‌هایی مانند خودارزیابی به سوی رشد و ترقی و افزایش کیفیت گام بردارند.

۵) آموزش خانواده

همسویی خانه و مدرسه همواره از شعارهای کارشناسان تعلیم و تربیت بوده و برای تحقق آن‌ها تلاش کرده‌اند. این همسویی، به‌ویژه در دورهٔ پیش‌دبستان، به دلیل تأثیر تربیتی خانواده بر فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنان، اهمیت بسزایی دارد. توجه به موضوع خانواده نه به‌عنوان یک شعار، بلکه به‌عنوان رکن اصلی، در مرکز ملی تربیت کودک و برنامه‌ریزی برای آموزش‌های عملی و علمی در تربیت کودک، استفاده از ظرفیت‌های خانواده در مدرسه و مراکز آموزشی و حتی مدیریت این سازمان و سایر ضرورت‌ها ایجاد می‌کند در شکل‌گیری مرکز ملی تربیت کودک به موضوع خانواده به شکل ویژه‌ای پرداخته شود و این موضوع جزو ارکان اصلی آن قرار گیرد. مرکز ملی تربیت کودک می‌تواند با استفاده از تجربهٔ سازمان انجمن اولیا و مربیان، به نقش خانواده در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر مراکز آموزشی بیفزاید و موضوع خانواده را از حاشیه به اصل برگرداند.

آموزش والدین نیز، همان‌طور که اشاره شد، در این دوره از زندگی و تربیت کودک ضرورت ویژه‌ای دارد. برای موفقیت در این حوزه به برنامه‌ریزی دقیق علمی و اجرایی قوی نیاز است؛ برنامه‌ای که بتواند از تولد تا پایان شش سالگی به همراه خانواده باشد، از آنان حمایت و پشتیبانی کند و مشورت‌های تربیتی لازم را در اختیارشان قرار دهد.

۶) زمان آموزش

مرکز ارائه‌دهندهٔ خدمات در دورهٔ پیش از دبستان به‌طور عمده دو موضوع اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد و فعالیت‌ها و خدمات خود را حول آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کند: یکی موضوع نگهداری کودکان والدین شاغل در مهدهای کودک و دیگری ارائهٔ آموزش‌های متناسب با سن کودکان. البته تلفیق این دو موضوع، یعنی نگهداری از کودکان و آموزش آنان نیز همواره مدنظر بوده است.

در این میان، دو موضوع زمان قانونی آموزش و ساعت کار مراکز نگهداری و آموزش کودکان از موضوعات مهمی هستند که باید در برنامه‌های سازمان ملی تربیت کودک مورد توجه قرار گیرند.

در راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دورهٔ پیش‌دبستان که تنها مرجع رسمی کشور در این دورهٔ تحصیلی است، تنها سه ساعت و نیم (۲۱۰ دقیقه) به برنامه‌های روزانهٔ یک کلاس یا مدرسه در این دورهٔ تحصیلی اختصاص پیدا کرده است که با واقعیت‌های موجود سازگاری ندارد. موضوع تحویل گرفتن کودک، آموزش، تغذیه، بهداشت و تحویل مجدد او به والدین، به زمان بیشتری نیاز دارد و این زمان محدود (۲۱۰ دقیقه)، نه تنها هدف‌های تربیتی را محقق نمی‌کند، بلکه پاسخگوی درخواست‌ها و نیازهای اولیا هم نیست. از طرف دیگر، این زمان محدود، موضوع حقوق، بیمه و رضایت‌شغلی مربیان را نیز تحت‌تأثیر قرار داده است و در حالی که مربیان روزانه بیش از هشت ساعت کار و تلاش می‌کنند، دریافتی‌شان بر اساس سه ساعت و نیم محاسبه می‌شود.

یکی از دلایل نارضایتی شغلی در میان مربیان پیش‌دبستانی نیز تعیین ۲۱۰ دقیقه (سه ساعت و نیم) فعالیت روزانه در برنامهٔ درسی (راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی) است که راه تنصیب حقوق مربیان را باز گذاشته است و با توجه به اینکه عمدهٔ مربیان بیش از ساعت اشاره‌شده در مرکز و مدرسه حضور دارند و به انجام فعالیت مشغول‌اند، هنگام محاسبهٔ حقوق، حداقل حقوق و دستمزد قانون کار به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و حتی نصف آن را هم دریافت نمی‌کنند. این موضوع به‌نوعی بی‌عدالتی محسوب می‌شود و مربیان را از دستمزد و بیمهٔ قانونی محروم می‌کند، چرا که حداقل حقوق و دستمزد برای هشت ساعت کار در نظر گرفته می‌شود، در حالی که ساعت کاری مربیان در راهنمای برنامهٔ فعلی سه ساعت و نیم در نظر گرفته شده است. بنابراین، برای مواجهه با واقعیت‌های موجود، لازم است در برنامه‌های سازمان ملی تربیت کودک به موضوع زمان به‌صورت اساسی پرداخته شود.

همچنین، با توجه به اضافه‌شدن مهدهای کودک به مجموعهٔ نظام آموزش و پرورش و تشکیل سازمان ملی تربیت کودکان، مراکز زیر نظر سازمان بهزیستی که برای نگهداری و آموزش کودکان فعالیت می‌کنند، از نظر زمان آموزش و ساعات کار باید با برنامه‌ها و دستورالعمل‌های آموزش و پرورش هماهنگ شوند. بدین منظور نمی‌توان موضوع زمان آموزش را نادیده گرفت و باید به نیازهای موجود پاسخی مناسب ارائه شود.

منابع

۱. محمدبیگی، حمیدرضا. پایان‌نامه با موضوع بررسی الگوهای آموزشی در دورهٔ پیش‌دبستان. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ۱۳۸۵.
۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. راهنمای برنامه و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دورهٔ پیش‌دبستان. انتشارات مدرسه. تهران. ۱۳۹۳.
۳. مفیدی، فرخنده. مدیریت مراکز پیش‌دبستانی. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ۱۳۸۴.
۴. اساس‌نامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۹



استان آذربایجان شرقی

تولید و ضبط برنامه آموزشی بار مهربان در استان آذربایجان شرقی و پخش آن برنامه آموزشی در مرکز صداوسیما استانی «شبکه سهند»



استان کرمانشاه

استان کرمانشاه در راستای کیفیت بخشی به دوره پیش از دبستان و رشد کمی این دوره، تحولات و تغییرات مطلوبی را شاهد بوده است. یکی از مهم ترین تحولات، رشد کمی از ۴۵ درصد پوشش نوآموزان به ۷۳ درصد بوده و در راستای این تغییر، فرهنگ سازی نقش بسیار مهمی داشته است. بعضی از عوامل تأثیرگذار در روند رشد عبارتند از: اجرای طرح آموزش مجازی رایگان؛ ایجاد کانال کشوری شبکه «شادآوا»؛ تولید محتوایی اعم از شعر و قصه و سرود؛ توجیه اولیا؛ آموزش از طریق صداوسیما و رادیو؛ تهیه بسته های آموزشی و کتاب های همسفران یادگیری. همچنین، در سال گذشته در مناطق محروم و دوزبانه پوشش تحصیلی صد درصد بوده است.

و دستاوردهای فعالیت‌های استان آذربایجان غربی است. این برنامه‌ها از تاریخ ۲۳ بهمن ماه ۹۹ تا ۵ تیرماه سال ۱۴۰۰ از صداوسیما استان پخش شد. در ضمن، با توجه به برنامه‌ریزی انجام‌یافته و عقد تفاهم‌نامه همکاری مجدد صداوسیما استان با اداره کل آموزش و پرورش استان، مقرر شده است مجموعه دوم و جدید برنامه غنچه‌ها نیز از مهرماه، هم‌زمان با شروع سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، دوباره تولید و برای استفاده نوازمان پخش شود.



در برنامه‌ریزی فعالیت‌های استان و در خلال افتتاح استودیو ضبط و تولید محتوای آموزشی ویژه پیش‌دبستان با حضور معاون آموزش ابتدایی وزیر و مدیران کل صداوسیما و آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی نکات زیر مطرح شد.

«مهارت‌های فردی و اجتماعی در برنامه آموزشی دوره پیش‌دبستان به نوازمان آموزش داده می‌شود. همچنین، در این برنامه به مهارت‌هایی پرداخته می‌شود که به تربیت و پرورش آن‌ها کمک می‌کند.

«با تلاش همکاران صداوسیما استان آذربایجان شرقی و اداره کل آموزش و پرورش استان، در بحران کرونا، مدرسه تلویزیونی یار مهربان با برنامه‌های متنوع، جذاب و شاد ویژه نوازمان پیش‌دبستان، با هدف توسعه عدالت آموزشی آغاز به کار کرد.

«برنامه آموزش نوازمان پیش‌دبستان در استان آذربایجان شرقی، براساس برنامه و فعالیت‌های مصوب پیش‌دبستانی و در چارچوب سند تحول بنیادین تدوین شده‌اند.

«آموزش در دوره پیش‌دبستان به صورت تلفیقی هستند، و در برنامه یار مهربان در این استان بر مهارت‌های فردی و اجتماعی و مهارت‌های زندگی، با استفاده از فعالیت‌های قصه، بازی و نمایش خلاق، به نوازمان تأکید دارد.»



استان کردستان

برگزاری دوره پیش‌دبستان در مناطق دوزبانه روستایی و شهری، تداوم فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دوره پیش‌دبستان در شرایط سخت کرونایی و همچنین تهیه بسته آموزشی برای نوازمان دوره پیش‌دبستانی را از اولویت‌های آموزش و پرورش استان کردستان است.

اهمیت و ضرورت آموزش‌های دوره پیش‌دبستان در رشد همه جانبه کودکان و موفقیت تحصیلی آنان در دوره‌های بالاتر، از جمله مسائلی است که برنامه‌ریزان استان کردستان را بر آن داشته تا با آگاهی بخشی به خانواده‌های نوازمان به ثبت‌نام فرزندان خود در مراکز پیش‌دبستانی را جدی بگیرند و طبق برنامه‌ریزی‌های استان اقدام کنند تا بیش از پیش زمینه آموزش و کسب مهارت‌های لازم برای ورود به آموزش‌های رسمی را برای کودکانشان فراهم کنند.

تولید محتوای الکترونیکی مناسب به صورت استانی با هدف افزایش مهارت‌های کودکان و پرورش استعدادها و بروز توانایی‌های کودکان پیش‌دبستانی از دیگر تلاش‌های استان می‌باشد. همچنین برنامه‌ریزان استان در صدد هستند تا با برگزاری کارگاه آموزشی برای مربیان مراکز پیش‌دبستانی و تهیه بسته آموزشی دوره پیش‌دبستان و قابل دسترس کردن آن برای حداکثر نوازمان و خانواده‌ها، بتوانند ضمن توسعه کمی در راستای عدالت آموزشی، زمینه پیشرفت کیفی فعالیت‌های این دوره را براساس اهداف و مهارت‌های پیش‌بینی شده فراهم کنند.

استان آذربایجان غربی

اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۹۹، در راستای توسعه کمی و کیفی دوره پیش‌دبستان، با توجه به شرایط بحران کرونایی و نگرانی اولیا از ثبت‌نام نوازمان واجد شرایط در مراکز دوره پیش‌دبستانی، و به منظور اجرای عدالت آموزشی و تحت پوشش تحصیلی قراردادن تمام نوازمان بازمانده از تحصیل، موفق شد با استفاده از ظرفیت شبکه سیما استانی و تجربه‌های برتر مربیان دوره پیش‌دبستان، نوازمان روستاهای محروم مرزی و عشایری و حاشیه شهرها را تحت پوشش تحصیلی قرار دهد. از دیگر اقدامات، افتتاح مدرسه تلویزیونی استانی به نام «غنچه‌ها» است. تعداد ۴۰ برنامه آموزشی ۱۵ دقیقه از جمله تولیدات

استان بوشهر

تعداد کل نوآموزان ثبت نام شده در استان بوشهر ۱۱۶۷۲ نفر است. با توجه به شیوع بحران کرونا و برگزاری کلاس‌ها به صورت غیرحضوری، تعداد ۱۰۲۸۹ نوآموز از طریق شبکه ملی آموزش دانش آموزی (شاد)، مدرسه تلویزیونی و بسته‌های یادگیری ارسالی (ویژه نوآموزانی که به اینترنت دسترسی نداشتند) انجام گرفت. از ظرفیت صداوسیما استان نیز برای پخش کلیپ‌های آموزشی تولید استان استفاده شد و برنامه ۴۰ دقیقه‌ای ویژه نوآموزان به صورت هفتگی پخش شد. مجموعه چهارجلدی کتاب‌های پیش دبستانی نیز به تعداد ۸۳۴۲ کتاب توزیع شد. کانال استانی «تخل و دریا» در شبکه شاد ایجاد و محتواهای تولید و تأیید شده مربیان پیش دبستان و همچنین راهنمای تدریس مجموعه کتاب‌های چهارجلدی پیش دبستانی (برای استفاده مربیان و والدین) در این کانال بارگذاری شد.



استان خوزستان

در راستای عدالت آموزشی و پوشش حداکثری نوآموزان پیش دبستانی و به منظور ارائه آموزش‌های لازم به حدود ۸۰۰۰ نوآموزی که فرصت ثبت نام در مراکز پیش دبستانی دولتی و غیردولتی مشارکتی را نداشته‌اند و در دوره‌های پیش دبستانی مجازی به صورت رایگان ثبت نام شده‌اند، در استان خوزستان حدود ۲۰۰ فیلم از کتاب‌های چهارگانه پیش دبستانی تولید شد. کارشناسان استان در صدد تنوع بخشی به تولیدات و پشتیبانی لازم از آن‌ها از طریق آموزش مربیان و خانواده‌ها هستند.



استان اردبیل

به گزارش روابط عمومی معاونت آموزش ابتدایی استان، **احمد ناصری** در بازدید از محل ضبط برنامه‌های آموزشی نوآموزان پیش‌دستانی در مرکز صداوسیما استان اعلام کرد: «بیش از ۱۸ هزار نوآموز تحت پوشش آموزش‌های مجازی، در قالب طرح ملی پوشش سراسری مراکز پیش‌دستانی غیردولتی و ضمیمه دولتی، از آموزش‌های لازم بهره‌مند می‌شوند.»

کمیته استان با تحلیل سند بنیادین نظام آموزش و پرورش و همچنین برنامه و فعالیت‌های دوره پیش‌دستانی مبنی بر تأکید بر هویت‌بخشی و شکل‌گیری شخصیت کودکان معتقدند پیش‌دستانی بستری است برای تمرین کودک به‌منظور کسب مهارت‌های هویت‌ساز و همچنین مهارت‌های اجتماعی از جمله درست شنیدن، خوب صحبت کردن، ارتباط اجتماعی و مشارکت.

از دیگر دستاوردهای استان، تولید و پخش برنامه «باغ غنچه‌ها» در ۳۰ قسمت ۲۰ دقیقه‌ای از شبکه استانی سیلان صداوسیما مرکز اردبیل بود.



همچنین راه‌اندازی کانال باغ غنچه‌های پیش‌دستانی استان در بستر شاد از دیگر اقدامات اجرایی برای آموزش نوآموزان است، که با هدف ارتقای کیفیت آموزش و رشد همه‌جانبه کودکان در شرایط آموزش مجازی، به‌منظور محقق شدن هدف‌های یازده‌گانه دوره پیش‌دستان، پیگیری شده است.

استان ایلام

استان نظر به اهمیت و نقش دوره پیش‌دستانی در تکوین شخصیت نوآموزان، جبران آسیب‌های آموزشی ناشی از شیوع بیماری کرونا و به‌منظور برخورداری حداکثری کودکان از فرصت آموزش و پرورش دوره پیش‌دستان تا قبل از ورود به دبستان، کمیته استان دو برنامه «تداوم فرایند یادگیری

نوآموزان پیش‌دستانی ثبت نام شده» و «برگزاری کلاس‌های آمادگی برای کودکان بازمانده از دوره یکساله پیش‌دستانی» طرح‌ریزی نموده است. این کلاس‌ها به‌صورت رایگان برای تمامی نوآموزان پیش‌دستانی جامانده از دوره پیش‌دستان و تداوم یادگیری نوآموزان ثبت‌نام‌شده نیازمند آموزش و یادگیری بیشتر، با همکاری مربیان مجرب، برگزار می‌شوند. اجرای دوره‌ها به شیوه‌های حضوری، ترکیبی و غیرحضوری، متناسب با مصوبات ستاد کرونا و با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، انجام خواهد شد.



و دانش‌افزایی مربیان پیش‌دستانی دانست زیرا مربیان پیش‌دستانی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی به کودکان، به اجرای برنامه‌های آموزشی- تربیتی خلاقانه نیاز دارند تا نوآموزان در این دوره خلاقیت، پویایی، اعتمادبه‌نفس و کنجکاو بودن را بیاموزند.



به همین منظور معاونت آموزش ابتدایی استان لرستان برای ارتقای سطح علمی- تخصصی مربیان، برنامه‌ریزی جامعی براساس سند تحول بنیادین دارد تا نوآموزان در دوره پیش‌دستان تحت پوشش یک دوره تخصصی مهارت‌ها، آموزه‌های تربیتی، سنجش سلامت جسمانی و هوش قرار گیرند.»

برنامه‌ریزان استان در صدد هستند تا مربیان با ایجاد ارتباط‌های اجتماعی از طریق بازی، علاوه بر آموزش مفاهیم شناختی، به بعضی از اهداف آموزشی، یادگیری عاطفی و نگرشی نیز دست یابند. به‌علاوه، مربیان با شرکت‌دادن نوآموزان در برنامه‌ریزی و تدارک وسایل لازم برای بازی، می‌توانند به اهداف بیشتری نائل شوند. بازی آموزشی خوب می‌تواند ضمن ایجاد تفریح و هیجان برای فراگیرندگان، چگونگی ارزیابی مخاطرات، برخورد اتفاقی‌ها و مسائل جدید، تفکر منطقی و تصمیم‌گیری را آموزش دهد.



کارگاه بازی با نگاه تربیتی و درمانی

ویژه مربیان پیش‌دستانی

در بستر شاد

گروه مربیان پیش‌دستانی لرستان



اداره آموزش دوره اول و پیش‌دستانی استان لرستان
کارشناسی آموزش ابتدایی شهرستان اژنا
دبیرخانه توانمندسازی مربیان پیش‌دستانی استان لرستان

در راستای توانمندسازی مربیان پیش‌دستانی برای آمادگی در تعامل با کودک و تربیت اثربخش کارگاه بازی با نگاه تربیتی و درمانی، ویژه مربی پیش‌دستانی، به‌صورت مجازی در بستر سامانه شاد نموده است. هدف اصلی این کارگاه آموزشی رشد کمی و کیفی



دست‌ورزی فرصتی برای پرورش حواس، کسب

تجربه و یادگیری کودک است. این فرصت را

از کودکان دریغ نکنیم!

روز جهانی کودک

۱۶ مه ماه

